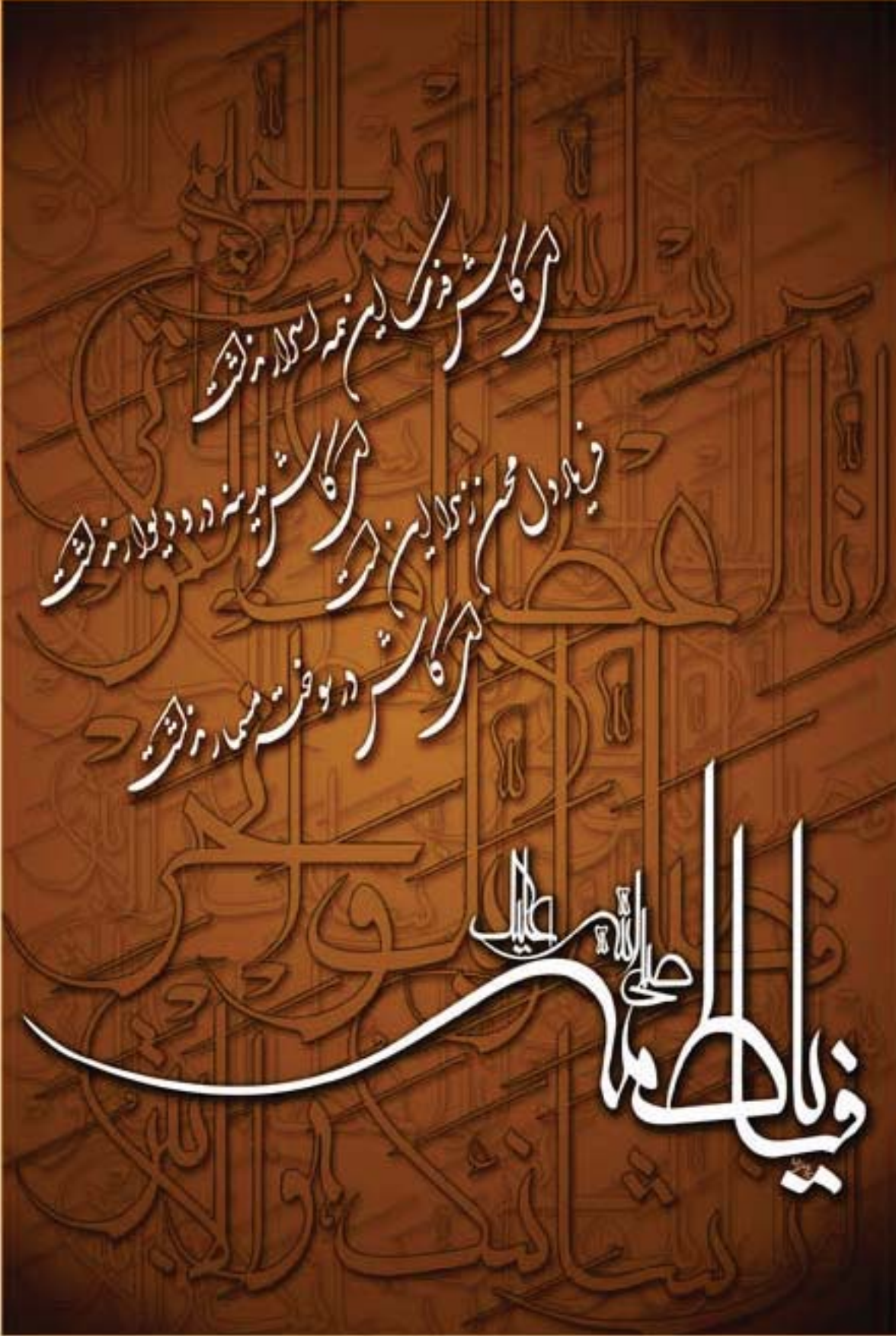


# زیارت

ماهنامه داخلی شرکت مرکزی  
دفاتر خدمات زیارتی سراسر ایران

شمسنا

اشهدان فاطمة بنت رسول الله  
وعصمت الله الكبرى وحجة الله على حجج



مکاتیب ذریعہ نغمہ لاسیلا ہر نشیہ

زیادہ دل محسوس از سلاہم ہر نشیہ  
مکاتیب پر سنہ در دیدن ہر نشیہ

مکاتیب در وصف ہر نشیہ

# عظیم اللہ علیہ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# زیارت

ماهنامه داخلی شرکت مرکزی  
دفاتر خدمات زیارتی سراسر ایران  
«شمسا»

شماره ۷ / سال اول / اردیبهشت ۱۳۸۸

مدیر مسئول: ناصر صبا  
سر دبیر: محسن بغلانی

## فهرست:

- سخن سردبیر / ۲
- کلام امام(ره) / ۳
- شمیم ولایت / ۴
- نسیم وحی / ۶
- اماکن زیارتی و سیاحتی عراق (۶) / ۸
- شام سرزمین پیامبران (۵) / ۱۰
- تاریخچه و عملکرد وهابیت / ۱۲
- صدای سخن عشق / ۱۴
- ویژه نامه شهادت حضرت زهرا(س) / ۱۵
- سیاحت از دیدگاه قرآن (۲) / ۱۹
- چراغ هدایت و کشتی نجات / ۲۰
- بازتاب عاشورا درفق سیاسی شیعه (۳) / ۲۲
- مقایسه بیمه زائران اعتبار مقدسه در حال و گذشته / ۲۵
- از ری تا کربلا / ۲۶
- اخبار شمس / ۲۸
- از شمس چه خبر؟ / ۳۲

## دبیاچه

## حیات طیبه

## آشنایی با سرزمین های اسلامی

## مقاله

## ویژه نامه

## حسینیه

## گزارش

## گزارش منظوم

## اخبار شمس

مدیر فنی: امیر خلیلی فرد

مدیر داخلی: حسین کرمی

نمونه خوان و ویراستار: علی یوسفی کجانی

حروف چین: حمید سخا

سید محمد مهدی طرازانی

زیر نظر: هیأت تحریریه

## آدرس نشریه:

تهران - خیابان نصرت غربی پلاک ۴۸ شرکت مرکزی دفاتر خدمات زیارتی سراسر ایران (شمسا)

تلفن: ۱۵-۶۶۹۱۸۳۱۰ دورنگار: ۶۶۹۰۴۰۲۶ - ۶۶۹۰۴۰۲۸

آدرس پایگاه اینترنتی روابط عمومی: [www.shamsa-co.org](http://www.shamsa-co.org)



سخن سردبیر

## دست در دست یکدیگر و مصلحانه در راه حفظ جان و مال زائرین

خداوند خمیره وجود مؤمنین را از

خاک کربلا و خون شهیدایش سرشته است و تا شب و روز

باقی است این پیوند تاریخی که مؤمنین را به عاشورا پیوند می دهد، در

عمق فطرت ها بیدار خواهند ماند. بر خیز برادر، بر خیز تا قافله کربلا روان است و

آواز جرس که از باطن ملکوتی انسان بر می آید عشاق را فرا می خواند.

شهید سید مرتضی آوینی

به راستی که خداوند خمیره وجودی مومنین را از خاک کربلا و خون شهیدایش سرشته است و این گونه است که از هزار و چهار صد سال قبل تاکنون کربلا همواره چون عشقی شور انگیز قلب های مومنین را به تلاطم واداشته و این گونه است که با تمام خطراتی که در طول تاریخ زائران علوی را در عتبات تهدید کرده است، ذره ای از عشق و دل سوختگی آنان به آستان اباعبدالله(ع) نکاسته و اکنون نیز که همواره جان و مال شیعیان علوی، توسط وهابیون و سلفی های متعصب و اشغال گران امریکایی مورد تهاجم قرار می گیرد، روز به روز عشق به زیارت بارگاه سید و سالار شهیدان در دل های مومنین جوانه می زند. آری این عشق خدایی و این محبت جاودانی و شور ابدی آن گونه که در احادیث آمده هم چون شعله ای است که هرگز در دل شیعیان به خاموشی نمی گراید.

ولی آیا با تمسک به این عشق و شور و شعور می توان چشم برواقعیت ها بست؟

آن چه امروز برای ما حائز اهمیت است، تصمیماتی است که باید برای سازماندهی هر چه بهتر سفرهای زیارتی اتخاذ گردد. باید بدون حب و بعض های صنفی و سیاسی و نیز عافیت طلبی های اداری، به سمتی گام برداریم که زائر اباعبدالله(ع) بتواند با آسایش، رفاه و امنیت هر چه بیشتر به پای بوسی امام شهید خود بشتابد. به جای تعصبات سازمانی که گریبان خادمان زائرین حسینی(ع) را می فشرد باید دست ها را برادرانه در دست

یکدیگر گذاشته و مصلحانه در راه حفظ جان و مال زائرین گام برداریم.

اگر بتوانیم نام خود را به عنوان خادم سید الشهداء و زائرین دل سوخته اش ثبت نماییم،

کاری بس عظیم انجام داده ایم و اگر به خدا توکل نماییم «می توانیم».

وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می‌کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می‌شود مثلاً در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، توجه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند، چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران‌پذیر نباشد. و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول می‌باشند.



از این قرار، عدم دخالت ملت از مراجع و علمای بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند، چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آتی و چه بسا که در بعضی مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است. پس علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد، و الا کار از دست همه خارج خواهد شد. و این حقیقتی است که بعد از مشروطه لمس نموده‌اید و نموده‌ایم. چه هیچ‌کس با لایحه و بالاتر و بالاتر از آن نیست که ملت در سرتاسر کشور در کارهایی که محول به اوست برطبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد و در تعیین رئیس جمهور و وکلای مجلس با طبقه تحصیل کرده متعهد و روشنفکر با اطلاع از مجاری امور و غیروابسته به کشورهای قدرت مند استثمارگر و اشتها به تقوا و تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده، و با علما و روحانیون با تقوا و متعهد به جمهوری اسلامی نیز مشورت نموده و توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه‌ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند، نه از سرمایه‌داران و زمین‌خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی‌توانند بفهمند.

و باید بدانیم که اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند، بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آید و مشکلاتی اگر باشد رفع می‌شود.



## انتخابات برای بالا بردن توان کشور

باشد، عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنانش دیده خواهد شد، برای ملت ایران حرمت بیشتری خواهند گذاشت، دوستان شما هم در دنیا خوشحال می شوند. عظمت ملت ایران را حضور مردم در انتخابات نشان می دهد، انتخابات این است. بنده همواره در درجهی اول در انتخابات سعی ام بر این است که به مردم عرض کنم حضور شما در این انتخابات مهم است. این، تصدیق و تأیید و مستحکم کردن نظام جمهوری اسلامی است. مسئله فقط یک مسئلهی سیاسی و فردی و اخلاقی محض نیست، یک مسئلهی همه جانبه است. انتخابات با سرنوشت مردم سروکار دارد، به خصوص انتخابات ریاست جمهوری که سپردن قوهی اجراییهی کشور به دست یک نفر و یک مجموعه است که کشور را برای مدت چند سال اداره کنند، این قدر انتخابات اهمیت دارد.

یک مطلب هم خطاب به نامزدهای محترمی که یا تا حالا اعلام حضور کرده اند یا بعد از این اعلام حضور خواهند کرد، عرض بکنم. کسانی که برای انتخابات خود را نامزد می کنند، بدانند که انتخابات یک وسیله ای است برای بالا بردن توان کشور، برای آبرومند کردن ملت، انتخابات فقط ابزاری برای قدرت طلبی نیست. اگر بناست این انتخابات برای اقتدار ملت ایران باشد، پس نامزدها بایستی به این اهمیت بدهند و این را در تبلیغاتشان، در اظهاراتشان و در حضورشان رعایت کنند. مبادا نامزدها در اثنای فعالیت های انتخاباتی خودشان جوری رفتار کنند و حرفی بزنند که دشمن را به طمع بیندازند. رقابت ها را منصفانه کنند،

حرف ها را منصفانه کنند، از جادهی انصاف خارج نشوند. خوب، به طور طبیعی هر نامزدی حرفی دارد و حرف مقابل خود را رد می کند. این

موضوع دیگر در زمینهی مسائل داخلی کشور، مسئلهی انتخاباتی است که ما در پیش داریم، که یک اشاره ای هم به آن مسئله بکنم. البته تا انتخابات وقت هست. اگر عمری بود، عرایضی را که لازم بدانم، با مردم عزیزمان در میان می گذارم (دیر نیست) لیکن چند نکته را عرض می کنم: اولاً انتخابات در کشور ما یک حرکت نمایشی نیست. پایهی نظام ما همین انتخابات است. یکی از پایه ها، انتخابات است. مردم سالاری دینی با حرف نمی شود. مردم سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، ارادهی مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت می گیرد. این هم جز با یک انتخابات صحیح و همگانی و مشارکت وسیع مردم ممکن نیست. این مردم سالاری، عامل پایداری ملت ایران است. این که شما توانسته اید در طول این سی سال از نهیب ابرقدرت ها نترسید، این که ابرقدرت ها هم غیر از نهیب نتوانستند ضربهی اساسی به شما بزنند، این که جوانان کشور در ورود به میدان های گوناگون این شجاعت و اخلاص را نشان می دهند، ناشی از مردم سالاری دینی است. این را باید خیلی قدر بدانیم. انتخابات سرمایه گذاری عظیم ملت ایران است، مثل این که شما سرمایهی سنگین و عظیمی را در بانک می گذارید، بانک با آن کار می کند و شما از سودش استفاده می کنید. انتخابات یک چنین چیزی است. ملت ایران سرمایه گذاری عظیمی را می کند، سپرده گذاری بزرگی را انجام می دهد و سود آن را می برد. آراء یکایک شما مردم سهمی است از همان سرمایه گذاری و سپرده گذاری. هر رأیی که شما در صندوق می اندازید، مثل این است که یک بخشی از پول آن سپرده را دارید تأمین می کنید. یک رأی هم اهمیت دارد. هر چه انتخابات پر شورتر

رد و ایراد فی نفسه اشکالی ندارد، اما مشروط بر این که تویش بی‌انصافی نباشد، کتمان حقیقت نباشد. میدان برای همه باز است، بیابند در میدان انتخابات خود را بر مردم عرضه کنند. اختیار با مردم است. مردم هر جور که فهمیدند، تشخیص دادند، هشیاری آن‌ها به آن‌ها کمک کرد، ان‌شاءالله همان جور عمل خواهند کرد.

انتخابات به فضل الهی و به حول و قوه‌ی الهی انتخابات سالمی است. من می‌بینم بعضی‌ها در انتخاباتی که دو سه ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده‌اند به خدشه کردن. این چه منطقی است؟ این چه فکری است؟ این چه انصافی است؟ این همه انتخابات در طول این سی سال انجام گرفته است (در حدود سی انتخابات) مسئولان وقت در هر دوره‌ای رسماً متعهد شده‌اند و صحت انتخابات را تضمین کرده‌اند، و انتخابات صحیح بوده است؛ چرا بی خود خدشه می‌کنند، مردم را متزلزل می‌کنند، تردید ایجاد می‌کنند؟ که البته در ذهن مردم عزیز ما با این حرف‌ها تردید ایجاد نخواهد شد.

من به مسئولین انتخابات هم سفارش و تأکید می‌کنم، به طور حتم بایستی انتخابات را جوری برگزار کنند که پرشور باشد. دست‌همه‌ی نامزدها باز باشد، مردم آزادانه بتوانند انتخاب کنند و انتخابات، سالم و با امانت کامل ان‌شاءالله انجام بگیرد و انجام خواهد گرفت. من از دولت‌ها همیشه دفاع می‌کنم، منتها اگر دولتی بیشتر مورد تهاجم قرار گرفت و احساس کردم حملات غیر منصفانه‌ای می‌شود، بیشتر دفاع می‌کنم. من طرفدار اعمال انصافم، من می‌گویم باید منصف باشیم. رفتارها را نگاه کنیم. این ربطی به انتخابات ندارد، بحث انصاف و بی‌انصافی است. حمایت کردن از خدمت‌گزاران در کشور، وظیفه‌ای است که هم من دارم، هم همه دارند. این مربوط به اعلام موضع انتخاباتی نیست. بنده از هر حرکت خوبی، از هر اقدام خوبی، از هر پیشرفتی، از هر خدمتی به مردم، از هر دل‌جویی از محرومین، از هر ایستادگی‌ای در مقابل ظلم و استکبار استقبال می‌کنم و از آن کسی که این کار را کرده است، تشکر و سپاس‌گزاری می‌کنم. هر دولتی باشد، هر شخصی باشد، این وظیفه‌ی من است.

یکی از دشمنی‌ها همین است که این پدیده‌ی با ارزش تأثیر حضور مردم و نقش‌آفرینی مردم در اداره‌ی کشور و مدیریت کشور را در تبلیغات خودشان نفی کنند یا ندیده بگیرند یا انکار کنند. بارها و بارها در اظهارات صریحشان، در اظهارات کنایه‌آمیزشان در انتخابات

کشورمان خدشه کردند. نه، انتخابات کشور ما از انتخابات اکثر این کشورهای مدعی دموکراسی، هم آزادتر است، هم پرشورتر است، هم انگیزه‌ی مردم در این انتخابات بیشتر است. انتخابات پرشور، انتخابات خوب، سالم. دشمن خدشه می‌کند.

از دشمن انتظاری هم جز دشمنی نیست، چه انتظاری هست؟ بی‌توقعی از دوستان است. بی‌توقعی از کسانی است که جزو این ملتند. واقعیات را دارند می‌بینند، می‌بینند که این انتخابات چگونه سالم و متقن انجام می‌گیرد، در عین حال، همان حرفی را که دشمن می‌زند، این‌ها هم می‌زنند! من انتظارم این است: کسانی که با ملت ایرانند، جزو ملت ایرانند، توقع دارند ملت ایران به آن‌ها توجه کند، این‌ها دیگر علیه ملت ایران حرف نزنند و انتخابات ملت ایران را زیر سؤال نبرند. مرتب تکرار نکنند که آقا این انتخابات سالم نیست، انتخابات، چرا دروغ می‌گویند؟ چرا بی‌انصافی می‌کنند؟ چرا خلاف واقع می‌گویند؟

چرا این همه زحماتی را که این ملت و مسئولین در طول این سال‌های متمادی متحمل شدند، ندیده می‌گیرند؟ چرا؟ چرا ناسپاسی می‌کنند؟ انتخابات در دوره‌های گذشته سالم بوده. در مواردی که شبهاتی پیش می‌آمد، ما فرستادیم تحقیق کردند، دنبال کردند. در یکی از مجالس گذشته شایعاتی پیدا شد، بعضی‌ها دلالی آوردند، حرف‌هایی زدند که انتخابات ناسالم است؛ توقع داشتند که در برخی از شهرهای مهم از جمله تهران، انتخابات ابطال شود. ما افراد وارد و مطلعی را فرستادیم تحقیق کردند، مطالعه کردند. دیدند نه، خدشه در انتخابات نیست. در بین هزارها صندوق ممکن است در دو تا، پنج تا صندوق خدشه‌هایی به وجود بیاید. این، انتخابات را خراب نمی‌کند. این هم مال بعضی از اوقات بوده است. گاهی یک گروهی، یک جناحی (از این جناح‌های معمولی کشور که شماها این جناح‌بندی‌ها را می‌شناسید) که بر سر کار بودند، نتیجه‌ی انتخابات به ضرر آن‌ها و به نفع جناح مقابل شده، مکرر این اتفاق افتاده. چطور این انتخابات را کسی ممکن است زیر سؤال ببرد؟ خوب، اگر آماده‌اید، پس ان‌شاءالله در انتخابات همه شرکت کنید. همه‌ی ملت ایران به کوری چشم دشمنان در انتخابات آینده هم با شور، با علاقه، با صمیمیت پای صندوق‌های رأی می‌آیند و انتخاباتی خواهند آفرید که دشمنان را خشمگین و عصبانی کند.

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نسیم وحی

## تفسیر سوره بقره

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)

### زیبایی الفاظ و آهنگین بودن لحن در قرآن

پس یک مطلب زیبایی الفاظ است و مطلب دوم آهنگین بودن، سخن بدون سبک آهنگ شعری است، یعنی سخن آهنگین است و یک طنین ویژه‌ای در همه‌ی کلمات قرآن وجود دارد و هیچ آیه‌ای از آیات قرآن را انسان پیدا نمی‌کند که این خصوصیت را نداشته باشد. مثلاً یک نوع طنین خاصی و یک نوع آهنگ خاص و یک نظم و نسق خاصی در همه جای قرآن هست. البته وزن مخصوصی ندارد، اما آن حالات آهنگین در همه‌ی عبارات و جملات و حتی کلمات قرآن وجود دارد که این آهنگ غیر از اوزانی است که در اشعار عرب با اشعار فارسی هست، یا اشعار اروپایی که شکل وزنی مخصوص خودش را دارد، مثلاً اشعار انگلیسی یک وزن مخصوصی دارد که سبک وزن‌های ما نیست، اما وزن قرآن از این

نوع اوزان نیست، بلکه یک شکل خاص و یک آهنگ ویژه‌ای است که انسان وقتی آیه قرآن را بخواند آن احساس می‌کند، البته مشروط بر این که کلمات را بتواند از هم تفکیک کند. بعضی هستند که وقتی قرآن می‌خوانند چون معنایش را نمی‌فهمند کلمات را از هم تفکیک نمی‌کنند، یک کلمه را به یک کلمه‌ی دیگر وصل می‌کنند آن وقت آن آهنگین بودن قرآن را درک نمی‌کنند، در حالی اگر یک حداقل اشرافی به معنای داشته باشد که الفاظ و جملات را بتواند از هم جدا بکند، آن وقت آهنگین بودن قرآن کاملاً به دست می‌آید و نکته‌ی بعدی در آن جنبه‌ی لفظی است که در همه‌ی ابواب به زیبایی سخن گفته. مثلاً در باب شعر شعری عرب می‌گویند: «اوج شعری فلان شاعر آن جایی است که راجع به جنگ سخن می‌گوید، لذا وقت وارد چیزهای دیگر شعری می‌شود از اوج می‌افتد، اما اوج شعری فلان

شاعر دیگر، آن وقتی است که در بزم سخن می‌گوید، که وقتی از بزم بیرون می‌آید تا وارد زندگی معمولی یا رزم بشود، شعری از اوج می‌افتد.» در فارسی هم همین طور است، مثلاً لحن حماسی و سخن زیبایی فردوسی در میدان‌های مشخص اوج می‌گیرد اما مثنوی سعدی که همان کتاب بوستان سعدی است، و درباره‌ی مسائل حکمت آمیز حرف می‌زند، وقتی وارد رزم می‌شود که می‌خواهد بگوید من هم می‌توانم مثل فردوسی سخن بگویم و شروع می‌کند به گفتن، همه‌ی کسانی که با سعدی و زبان سعدی آشنا هستند می‌گویند ای کاش این سخن را سعدی نگفته بود. یعنی همین که گفته ما حالا می‌گوییم و وارد میدان شده، همین کار را خراب کرده، چون سخن رزم و میدان جنگ کار سعدی نبوده، و لذا اگر به همان سخنان حکمت‌آمیز در بوستان بسنده می‌کرد برایش بهتر بود، یا مثلاً حافظ شیرازی که خداوندگار زبان غزل است و هیچ غزلی بهتر از غزل او معنی ندارد، در آخر دیوانش چند قصیده‌ای هم هست که آدم وقتی آن قصیده‌ها را می‌بیند، آرزو می‌کند که ای کاش حافظ این‌ها را نمی‌گفت: شعری عرب هم همین طورند. در میان شعری عرب می‌گویند مثلاً: فلان شاعر وقتی سواره است خوب شعر می‌گوید. یعنی وقتی پشت‌زین اسب نشسته وقت شعر گفتن اوست، لکن قرآن این طور نیست و در همه‌ی بخش‌ها آن روح زیبایی خودش را دارد، یعنی آن جا که آیات عذاب را بیان می‌کند درست مثل همان جایی است که نعیم بهشت را دارد بیان می‌کند و آن جایی که حال کفار را می‌گوید به همان زیبایی است که حال مؤمنین و حال اهل بهشت را بیان می‌کند. آن جا که از زهد و بی‌اعتنایی دنیا سخن می‌گوید، همان قدر زیباست که ماجرای دنبال کردن زن عزیز مصر یوسف را در اطاق خلوت بیان می‌کند، تا بلکه این جوان زیبارو را بتواند به چنگ بیاورد



و یوسف هم در اوج زیبایی و جوانی از چنگ آن زن عاشق و مشتاق دل از کف داده، داشت می‌گریخت. قرآن وقتی این منظره‌ی عاشقانه را ترسیم می‌کند، با همان زیبایی است که راجع به بی‌اعتنایی دنیا می‌گوید: «انما الحیوه الدنیا لعب و لهو (محمد - ۳۶)» یعنی میدان‌ها و صحنه‌ها و ساحت‌های مختلف و مضمون، هیچ تفاوتی نمی‌کند در این که لفظ زیبا باشد. این‌ها زیبایی‌های لفظی و غیر از این، باز هم جهت زیبایی لفظی هست که من حالا نمی‌خواهم آن‌ها را به تفضیل بگویم. اما در جنبه‌ی معنا: «شعر را وقتی شما نگاه می‌کنید، زیباترین شعر آن است که خیال‌آمیزترین و از واقعیت دورترین باشد، یعنی اگر بخواهند در نهایت زیبایی شعر بگویند، بایستی یک قدری از واقعیت‌ها فراتر بروند و با خیال آمیخته کنند. می‌گویند چرا نظامی گنجوی در این چند منظومه و مثنوی‌های پنج‌گانه که اسمش خمسه‌ی نظامی است، به سراغ لیلی و مجنون، یا مثلاً به سراغ خسرو و شیرین و اسکندرنامه رفته؟ و یک آدم حکیمی مثل حکیم نظامی چرا به سراغ داستان پیغمبران و داستان‌های صدر اسلام و جنگ‌های پیغمبر نرفته؟ جواب می‌دهند اگر می‌خواست سراغ آن حقایق تاریخی و حقایق مقدس برود نمی‌توانست خیال‌انگیزی کند و مچش را می‌گرفتند تفسیر به رأی کردی، اما درباب خسرو و شیرین هرچه گفت گفته و هر چیزی به ذهنت بیاید که می‌توانی زیباتر تصویر کنی میدان آزاد است بگو. اصل داستان هم معلوم نیست چقدر درست باشد، تا چه رسد به زیورها و حواشی؟ یا داستان و منظومه لیلی و مجنون نظامی هم همین‌طور است، اگر بخواهند متن واقع را بیان کنند نمی‌توانند شعر بگویند. نظامی در همین منظومه‌ی لیلی و مجنون به پسرش خطاب می‌کند:

در شعر مپیچ و در فن او  
چون اکذب اوست و احسن او

می‌گوید سراغ شعر نروید چگونه بهترین شعر، دروغ‌ترین شعر است، برای این که خیال‌پردازی و دروغ‌پردازی به طور طبیعی در آن وجود دارد. اما قرآن اوج زیبایی و هنرش مّر واقعیت است، یعنی در متن واقع و بدون یک ذره خیال‌پردازی بیان شده است و این از آن جهات معنوی اعجاز قرآن است که امکان ندارد بشر بتواند به این زیبایی دور از دروغ‌پردازی و خیال‌پردازی سخن بگوید و تمام داستان‌های قرآن همین‌طور است!

### خلاصه گویی قرآن در بیان حوادث

قرآن در بیان حوادث تاریخی هم حوادث را تقطیع می‌کند و حتی همه‌ی واقعیت را لازم نمی‌داند بگوید، لذا آن قسمت‌های لازم را می‌گوید. فرضاً در قضیه حضرت سلیمان که وقتی دید هدهد غایب است، می‌گوید: «لاعدبنه عذاباً شدیداً و لاذبحنه اولیأتینی بسطان مبین (نمل - ۲۱)» دیگر نمی‌گوید بعد از این که حضرت دید هدهد نیست خبر آوردند که هدهد آمد و بعد نشست و سلام کرد و حضرت جواب دادند، درست می‌رسد

### قرآن اوج زیبایی و هنرش مّر واقعیت است، یعنی در متن واقع و بدون یک ذره خیال‌پردازی بیان شده است و این از آن جهات معنوی اعجاز قرآن است که امکان ندارد بشر بتواند به این زیبایی دور از دروغ‌پردازی و خیال‌پردازی سخن بگوید



به آن جای مورد احتیاج و در بیان قرآن شما می‌بینید هدهد آن جا حاضر است و می‌گوید رفته شهری را کشف کردم بنام سبأ و داستان مهمی را از سبأ برای تو آوردم. آن نقطه‌ی مورد احتیاج را بیان می‌کند بدون هیچ حشو و زوایدی، حتی در بیان حقایق هم آن حقایقی را که به گفتن آن‌ها احتیاجی نیست بیان نمی‌کند و یک نکته‌ی دیگر همان است که هفته‌ی قبل گفتم عمیق بودن و تمام نشدنی قرآن است که وقتی نگاه می‌کنید ۳۰۰ - ۴۰۰ صفحه کتاب است و هر صفحه‌ای مثلاً ۲۰ سطر دارد، هر سطر یا هر چند سطر یک آیه است، یعنی از لحاظ کمیت محدود است اما وقتی انسان می‌رود و غور می‌کند، می‌بیند واقعاً تمام نمی‌شود. خدا می‌داند که من چقدر تأسف می‌خورم که چرا شما خواهان و برادران عزیز با بیان و زبان قرآن آشنا نیستید، تا این احساسی را که من دارم شما هم داشته باشید؟ هر کسی با درون قرآن آشنا باشد و در قرآن تدبر کند همین احساس را خواهد داشت، حتی آن کسانی که با زبان قرآن آشنا نیستند و از روی ترجمه یک چیزک سایه روشنی بدست می‌آورند، آن‌ها هم وقتی تدبر می‌کنند تمام نمی‌شود و انسان هرچه فکر کند می‌بیند «بحر لایفنی» است که هرچه در آن فرو می‌رود به عمق آن نمی‌رسد و این واقعاً اعجاز قرآن است که ممکن نیست انسان به عمق آن برسد یعنی خود بنده هم کوچک تر از آن هستم که بتوانم تصورش را بکنم، حتی عارفان بالله و علمای بزرگ و ائمه‌هدی علیهم السلام هم همین حرف را می‌زنند و می‌گویند هر چه غور می‌کنیم می‌بینیم عمق آن پایان ندارد و با توجه به این خصوصیات است که قرآن می‌فرماید: «فان لم تفعلا و لن تفعلا» پس اگر مثل قرآن و سوره‌های از قرآن نیاوردید که هرگز نخواهید هم توانست آورد پس برحذر باشید از آن آتشی که آتش‌گیره‌ی آن آدمی و سنگ است.



# اماکن زیارتی و سیاحتی عراق (۶)

محمد رضا قمی

## ۴- آرامگاه ادریس الحسینی

وی نواده حسن مثنی فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام است و امام زاده جلیل القدری است. قبر او در محله کراوه واقع شده و دارای بقعه و بارگاه است و مردم بدو اعتقاد فراوانی دارند.

## ۵- قبر بشر حافی

وی از اعیان متصوفه است و بنا به نقل مورخان، مردی فاسق بود که لحظاتی چند شرف حضور امام کاظم علیه السلام را درک نمود و هدایت گردید. آرامگاهش در محله اعظمیه بغداد است.

## ۶- قبر بهلول

او پسر عموی هارون الرشید و از شیعیان پاک و وفادار بود و داستان‌های او با منحرفین مشهور است. آرامگاهش در محله کرخ در نزدیکی قبر مشهور به «ست زبیده» می باشد.

## ۷- قبر سید سلطان علی

او علی بن اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام است و به گفته روایات، کسی است که سعایت عمویش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را نزد هارون کرد لیکن بزودی به نفرین حضرت گرفتار آمد و به هلاکت رسید، گور او در «محله الفضل» در شارع الرشید بغداد است و سنیان برای او و برادرش محمد، مزاری ساخته‌اند.

## ۸- قبر قنبر علی

گفته می شود او خادم امام دهم علیه السلام بود. امروزه آرامگاهش در شرق بغداد در محله «قنبر علی» است. همان گونه که پیشتر گذشت بغداد علاوه بر زیارتگاه‌هایی که از آن‌ها نام بردیم، دارای مراکز دیدنی و تاریخی دیگری است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

گذشت) آرامگاه او درون بازار مشهور به «سوق الخفافین» کمی پایین تر از مدرسه المستنصریه قرار دارد.

## ۲- آرامگاه شیخ کلینی

وی بزرگ ترین محدث و روایت نگار شیعی به شمار می رود و کتاب «الکافی» و یکی از چهار کتب روایی شیعه می باشد.

وی در سال ۳۲۹ ه. در بغداد در گذشت، امروزه مشهور میان مردم آن است که قبر وی در مسجد صفوی مشهور به تکیه مولوی خانه، در شرق بغداد (رصافه) و در نزدیکی پل شهدا می باشد.

## ۳- سلمان پاک (مدائن)

شهری است در چهل کیلو متری جنوب



بغداد که نام آن بر گرفته از نام جناب سلمان فارسی است که در سال ۳۶ یا ۳۷ ه. و هنگامی که امیر مدائن بود، در آن جا در گذشت و هم اکنون دارای آرامگاه باشکوهی است. در کنار وی، حذیفه بن الیمان، (یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآله) نیز مدفون است. گفتنی است در فاصله کوتاهی از این بقعه، ایوان کسری قرار دارد.

## بغداد

شهر بغداد مشهورترین شهر جهان اسلام و پایتخت خلافت عباسیان بوده که پنج قرن بر بخش عظیمی از جهان اسلام حکمرانی نموده است. این شهر حوادث مهمی را به خود دیده و امروزه از میان ساختمان‌ها و مساجد و مدارس و مقابر، تنها بخش اندکی از آن عظمت کهن را می توان دید که از سیلاب‌ها و آتش سوزی‌ها و جنگ و غارت‌ها جان سالم به در برده است.

## مراکز زیارتی و دیدنی بغداد:

### ۱- آرامگاه نواب اربعه

این چهار تن از بزرگان و معتمدان شیعه در بغدادند که طی هفتاد سال دوران غیبت صغری، عهده دار ارتباط میان امام زمان علیه السلام و شیعیان بوده اند و اموال و نامه‌های شیعیان را به امام و پاسخ آن حضرت را به آن‌ها منتقل می نمودند. این چهار تن عبارتند از: عثمان بن سعید عمری، (اواخر قرن سوم)، محمد بن عثمان بن سعید عمری، (در سال ۳۰۵ ه. در گذشت).

آرامگاه این پدر و پسر در یکی از میدانیان مهم و مرکزی شهر بغداد به نام «ساحه الخلالی»، درون مسجدی به نام «جامع الخلالی» قرار دارد. بر روی قبر آن دو، ضریحی نقره‌ای و گنبدی بلند با کاشی‌های سبز بر قرار است.

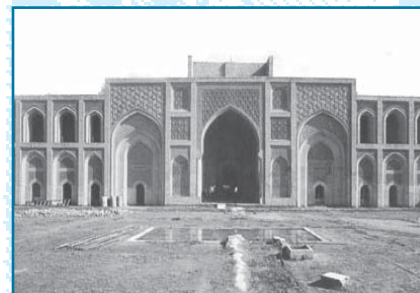
### حسین بن روح (متوفای سال ۳۲۶ ه.)

آرامگاه او در میان بازار کهن و قدیمی بغداد، معروف به «سوق العطارین» قرار دارد و دارای صحن و سرا و گنبد و ضریح است و زیارتگاه شیعیان می باشد.

علی بن محمد سیمری (در سال ۳۲۹ ه. در

## مدرسه مستنصریه

دانشگاهی است جهت تدریس علوم دینی مذاهب چهارگانه اهل سنت که به دستور مستنصر بالله عباسی در سال ۶۳۱ ه. ساخته شد و ساختمان آن تا کنون باقی است. این



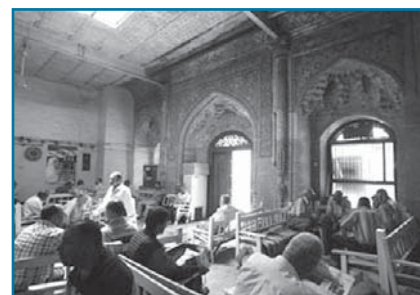
مدرسه نمایان گر نمونه مدارس آن دوره است و از ساختمان عظیم و بزرگ و شبستان ها و اتاق های تدریس فراوان برخوردار است. امروزه این مدرسه در سمت شرق بغداد (رصافه) و در بازار خفافین، در نزدیکی پل الشهداء قرار دارد.

## جامع الصفویه

که امروزه به نام الأصفیة شهرت دارد و پیشتر به نام «دار القرآن المستنصریه» مشهور بوده و همزمان با مدرسه المستنصریه ساخته شده است. این بنا در فاصله کوتاهی از مدرسه مستنصریه قرار دارد. در یکی از اتاق های این مسجد که پنجره آن به بازار باز می شود، آرامگاه مرحوم شیخ کلینی و قاضی ابو الفتح کراچکی از بزرگان امامیه و متوفای سال ۴۴۹ ه. قرار دارد.

## جامع الخفافین

مسجدی است باقیمانده از دوره عباسیان که در سال ۵۹۹ ه. به دستور زمرد خاتون ساخته شد. این مسجد در مجاورت مدرسه مشهور نظامیه است که توسط نظام الملک طوسی ساخته شده



و هم اکنون اثری از آن باقی نمانده است.

## قصر عباسی

و آن یکی از کاخ های دوره اخیر عباسیان در بغداد است که در سمت شرق بغداد و در نزدیکی رودخانه دجله قرار دارد. این کاخ دارای تالارها و ایوان هایی است با گچ بری های زیبا و دیدنی.

## جامع الخلفا

این مسجد در میانه مشهورترین خیابان بغداد، که شارع الرشید نام دارد، قرار گرفته است. اصل ساختمان کهن آن، که به دستور المکتفی بالله عباسی در سال ۲۹۰ ه. ساخته شده بود، از میان رفته است و تنها گلدسته آجری زیبایی آن باقی مانده و ساختمان کنونی به سبک معماری آن دوره ساخته شده است.

## مسجد جامع الخلفا

مسجد رسمی خلفای عباسی بوده است که در آن مراسم نصب خلفا و خواندن فرمانهای مهم عزل و نصب و تشییع بزرگان کشور انجام می پذیرفته است.

## قبر ابو حنیفه

که پیشوای مذهب حنفی است، او نعمان بن ثابت کوفی است که جدا از مردم کابل بوده و در دوره ای از شاگردان امام صادق علیه السلام به شمار می آمده است. وی در سال ۱۵۰ ه. در گذشت و در مقبره ای مشهور به «مقبره خیزران» که در شمال سمت شرقی دجله است دفن گردید. امروزه قبرش در نزدیکی پلی است که بغداد را به شهر کاظمین وصل می کند و خلفای عثمانی صحن و سرا برای او ساخته اند.

## قبر عبد القادر گیلانی

وی مؤسس یکی از فرقه های تصوف است که در گیلان به دنیا آمد و در بغداد به تحصیل پرداخت و در سال ۵۶۱ ه. در گذشت و در یکی از مدارس بغداد دفن گردید. بعدها صوفیان معجزات و خرق عاداتی بدو نسبت داده و قبر او را توسعه و ترمیم نمودند. امروزه آرامگاه او در محله ای به نام «باب الشیخ» قرار دارد.

## قبر شیخ عمر سهروردی

وی نیز یکی از صوفیان شافعی مذهب بود که در سال ۵۳۹ ه. متولد و در سال ۶۳۲ ه. در گذشت و در یکی از گورستان های عمومی بغداد دفن گردید. معجزاتی به وی نسبت

داده اند و عوام الناس برای او صحن و سرایی ساختند. قبر وی امروزه در محله ای به نام «شیخ عمر» در شرق بغداد واقع است.

## قبر زبیده خاتون

در سمت غرب دجله «کرخ» گوری است منسوب به زبیده خاتون همسر هارون الرشید، گو این که برخی از محققان آن را از آن زمرد خاتون دانسته اند که همسر خلیفه و مادر خلیفه عباسی الناصر لدین الله عباسی بوده است.

## قبر شیخ معروف کرخی (متوفای سال

۲۰۰ ه.)

وی از بزرگان متصوفه بغداد بوده است. آرامگاه او در نزدیکی قبر زبیده خاتون در محله کرخ می باشد.

## باب الطلسم

تنها دروازه باقیمانده از برج و باروی کهن بغداد است که در سمت شرق دجله (رصافه) می باشد. در شمال بغداد و در میانه بزرگراه بغداد- سامرا دو زیارتگاه وجود دارد که عبارتند از: حرم حضرت سید محمد که در شهر بلد در ۸۰ کیلومتری شمال بغداد واقع است. و آن امام زاده عظیم الشان فرزند امام دهم حضرت علی الهادی علیه السلام است. مرتبه و مقام وی به گونه ای بود که تمامی شیعیان او را جانشین پدر بزرگوارش در امامت می دانستند، لیکن وی در سال ۲۵۲ موفات یافت و در این بقعه مدفون گردید. امروزه صحن و سرای وسیع و گنبد و گلدسته و حجره هایی، بقعه او را تشکیل می دهد. وی از احترام ویژه ای نزد مردم عراق برخوردار است. به گونه ای که کسی جرات سوگند دروغ خوردن به نام او ندارد.

## آرامگاه ابراهیم اشتر

وی فرزند مالک اشتر سردار رشید اسلام است. خود ابراهیم نیز از سرداران شجاع امیر المؤمنین و امام حسن علیهما السلام بود و در تمامی جنگ ها و پیکارها شرکت داشت و در جریان قیام مختار جنگ سختی با شامیان داشت و ابن زیاد را به هلاکت رساند. آرامگاه وی در سمت چپ بزرگراه بغداد- سامرا، پیش از شهر بلد قرار دارد و گنبد آبی بر افراشته کاشی کاری او از دور قابل رؤیت است.



## شام سرزمین پیامبران (۵)

سید ابراهیم سیدعلوی

### مسجد جامع دمشق

نخستین اثر اسلامی در دمشق، مسجد جامع این شهر است که به جامع اموی نیز معروف است و از دیر باز مورد توجه زائران و جهانگردان مسلمان و غیر مسلمان بوده و تاریخچه‌ای خواندنی دارد.

در آغاز بنا و تاسیس آن، میان تاریخ نگاران، نظرات مختلف وجود دارد. به عقیده برخی، در سال ۶۳۶ م. پس از غلبه اعراب مسلمان بر دمشق، کلیسایی که روی معبد ژوپیتر ساخته شده بود، به دو قسمت تقسیم شد. قسمتی هم چنان به صورت کلیسا و در اختیار نصرانی‌ها باقی ماند و در قسمتی دیگر آن مسجدی تاسیس شد. این وضع تا زمان ولید بن عبدالملک مروان ادامه داشت تا این که به دست او توسعه یافت. بنابراین نظریه، مسیحیان در بخش غربی، کلیسای خود را حفظ کرده بودند و مسلمانان در ناحیه شرق، مسجد احداث کرده‌اند. ولید بن عبدالملک خواست، مسجدی در خور شأن بسازد و از مسیحیان خواست که از کنیسه یحیی صرف

نظر کنند و آن را هم در اختیار مسلمانان قرار دهند و چون آنان از واگذاری آن، خودداری کردند، ولید یک جانبه آن را به تصرف خود در آورد و آن را بر مسجد افزود. بعد سلیمان بن عبدالملک مقصوره جلو محراب را ساخت و به سال ۷۸۸ م. والی دمشق از سوی عباسیان، گنبد بیت المال را در صحن مسجد بنا نهاد که اموال حکومتی در آن جا نگهداری می‌شد. پس از آتش سوزی سال ۱۰۶۶ م. که خسارت سنگینی بر مسجد وارد شد، از مسجد جز چهار دیواری باقی نماند و از آن به بعد، همواره توسط حاکمان، امیران و شاهان ترمیم و بازسازی شده و تا سال ۱۹۲۸ م. این تعمیر و مرمت ادامه داشته و هم اکنون کارگران و مهندسان مشغول اصلاح سقف و دیگر بخش‌های فرسوده مسجد هستند.

### آتش سوزی جامع دمشق

درباره آتش سوزی جامع دمشق، در غالب کتاب‌های تاریخی و غیره، سخن گفته شده. ابوالفرج محمد جمال الدین می‌نویسد: وقتی بنای مسجد به نهایت رسیده بود، حادثه آتش سوزی رخ داد و ضرر و زیان‌هایی زد و در این باره

اشعاری هشدار دهنده سروده شده است. «همه چیز جهان پس از تمام و کمال، نقصان پذیر است. پس هیچ انسانی به خوشی‌های زندگانی نباید مغرور باشد.» «زیبایی‌های عالم، باقی و ماندگار نیستند و هیچ چیز هر چند مهم، در یک حال باقی نمی‌ماند.»

«مصیبت‌های روزگار، گونه‌گونند و در لحظه‌های حیات، خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، شادی‌ها و اندوه‌ها، باهم‌اند.»

«ای آن که غافل و بی‌خبری، روزگار برایت پند و اندرز فراوان دارد و اگر تو در خوابی، روزگار بیدار است.»

همین نویسنده می‌نویسد: آتش سوزی از سقف مسجد به دیوارهای آن سرایت کرد و بسیاری از ستون‌ها از سمت غرب بسوخت و ویران گردید و بسیاری از آثار عتیق؛ از جمله مصحف عثمانی، از میان رفت. نقل می‌کنند که آتش سوزی از سمت غرب مسجد توسط کارگری که می‌خواست سیگارش را روشن کند پیدا شد.

### مقام رأس یحیی (ع)

در مسجد جامع دمشق مزارهای برخی انبیا وجود دارد؛ مثل مقام رأس یحیی و مقام منسوب به هود و مقامی منسوب به خضر (ع) و دو مقام



اخیر، نزدیک مقام رأس یحیی، که ضریحی دارد، در دیوار قبله با علامتی مشخص گردیده‌اند. حمدالله مستوفی می‌نویسد: بر درگاه مسجد جامع دمشق، که باب جیرون خوانند، یحیی پیامبر را کشتند و سرش را بردار کردند. و در

عهد یزید بن معاویه «علیه اللعنه» سر حسین بن علی (علیهما السلام) را بر چوب کردند.

برخی مورخین می‌نویسند: به هنگام ساختن مسجد و کندن پایه‌های آن، به غاری برخوردند سه ذراع در سه ذراع، در درون آن صندوقچه‌ای یافتند، وقتی در آن را گشودند، سبدی دیدند و در میان آن، سر مقدس یحیی بن زکریا (ع) بود آن را به جای خود گذاشتند و به فرمان سلطان وقت، ستونی متفاوت با ستون‌های دیگر نهادند.

زکریا (ع) به سن نود سالگی رسیده بود و فرزندی نداشت که او را با جهان زندگی، پیوند دهد و بیم داشت که چون طومار عمرش پیچیده شود، کسی وارث حکمت او نشود و این خاطره غم افزا دل او را می‌فشرد و خاطرش را آزوده و ناشاد می‌داشت.

«این جا، ذکر باریا (ع) دست به دعا برداشت و گفت: پروردگارا! به من از خود فرزندی پاک روزی کن که تو شنونده دعا هستی» (سوره آل عمران). فرشتگان او را که در محراب به عبادت و دعا ایستاده بود ندا دردادند که خداوند تو را به وجود یحیی (ع) بشارت می‌دهد. او تصدیق کننده کلمه الهی است و ایمان آورنده مسیح (ع) و آقا و پاکدامن و پیامبری از صالحان و شایستگان است. «ای زکریا ما تو را به ولادت پسر بچه‌ای به نام یحیی مژده می‌دهیم و پیشتر برای او هم نامی قرار ندادیم.» (سوره مریم) خداوند در روزگار پیری زکریا (ع)، یحیی (ع) را که پسری پاکیزه بود به او عنایت کرد و از همان زمان کودکی، عقل سرشار و وحی نبوت را به او ارزانی داشت. یحیی (ع) عاشق عبادت و مردی عالم و دانشمند بود و از صولت و شوکت هیچ ظالمی نمی‌ترسید.

روزی به یحیی (ع) خبر رسید که «هیروودیس» حاکم فلسطین، عاشق دختر برادر خود شده و زیبایی و تناسب اندام آن دوشیزه، دل از دست حاکم ربوده است و تصمیم دارد که با او ازدواج کند. یحیی (ع) اعلام کرد که این ازدواج

## مسجد جامع دمشق که به جامع اموی نیز معروف است از دیرپایان موره توجه زائران و جهانگردان مسلمان و غیر مسلمان پوده و تارخچه‌ای خواندنی دارد

نامشروع و باطل است. آوازه مخالفت یحیی (ع) در همه محافل شهر منعکس شده و به گوش معشوقه رسید. پس بر یحیی (ع) خشم گرفت و کینه‌اش را در دل پنهان داشت روزی آرایش تمام کرد. زیباترین لباس و درخشان‌ترین جواهرش را پوشیده و با چهره‌ای متبسم نزد عمومی خود که عاشق وی بود رفت و او را با دام زیبایی و شیرین سخنی خود افکند و چنان دل او را اسیر خود ساخت که ملک بی‌اختیار گفت هر آرزو و خواهشی داشته باشی بگو تا بی‌درنگ برآورم.

معشوقه جز سر یحیی (ع) را نخواست و هیروودیس عاشق، با این جنایت اگر چه خشم معشوقه‌اش را فرو نشانید لیکن با برافروختن آتش خشم خدا خود را به لعنت ابدی گرفتار ساخت.

امام صادق (ع) فرمود: امام حسین (ع) را زیارت کنید و جفا ننمایید و ترک زیارت نکنید که او آقای شهیدان جوان و سرور بُرئیان بهشتی است و شبیه یحیی بن زکریا (ع) می‌باشد و آسمان و زمین برای این دو گریسته‌اند.

امام سجاد (ع) فرمود: «در بی ارزشی دنیا نزد خدا همین بس که سر یحیی بن زکریا (ع) به زناکاری از بدکاران بنی اسرائیل، هدیه فرستاده شده است.»

## مسجد امام سجاد (ع)

در شمال شرق مسجد جامع اموی، مصلاهی امام چهارم، علی بن الحسین (ع) است که آن بزرگوار در این جا هر شب و روز هزار رکعت نماز می‌گزارد و آن مسجدی است با شکوه و مردم به زیارت آن می‌روند، برخی احتمال داده‌اند که این جا مکانی است که امام سجاد (ع) هنگام اسارت و پس از واقعه کربلا، در آن جا سکونت

و اقامت داشته است.

## امام سجاد (ع) در دمشق

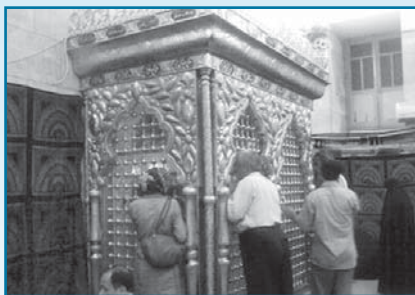
علی بن الحسین زین العابدین ملقب به سجاد چهارمین پیشوای معصوم شیعه است. او در پنجم شعبان سال سی و هفت در مدینه متولد شد. و در حادثه جانگداز کربلا بیمار و بستری بود و لذا با اینکه همه جوانان و مردان، شهید شدند، او به علت عدم شرکت در جنگ، زنده بماند و همراه بقیه اهل بیت حسین بن علی (ع) اسیر شد.

از جریانات مهم که برای امام در ایام اسارت در شام و دمشق، اتفاق افتاد سخنرانی آن امام مظلوم است در مسجد جامع دمشق که در واقع بنی امیه و یزید را رسوا ساخت.

امام سجاد (ع) به قولی در دوازدهم محرم سال ۹۴ در سن ۵۷ سالگی در اثر سمی که سلطان اموی به او خوراند، در شهر مدینه به شهادت رسید و در بقیع در زیر گنبدی که عمویش امام حسن مجتبی (ع) در آن مدفون است به خاک سپرده شد. اما اکنون از آن قبه و بارگاه اثری نیست.

## مسجد الرأس

در داخل باب‌الفرادیس جامع دمشق، مشهد الحسین (ع) قرار دارد که به آن مشهد الرأس هم می‌گویند و آن مقامی است ارجمند و



دارای موقوفات و مردم به زیارت آن روند و از خداوند حاجت خویش طلبند و دعا در آنجا مستجاب است.

منبع: کتاب سرزمین پیامبران تألیف سید ابراهیم سیدعلوی



تبلیغ و ترویج آن با هم‌یاری آل سعود همت گماشت.

محمد بن عبدالوهاب (۱۲۰۶-۱۱۱۵ ه.ق) در شهر عیینه از توابع نجد عربستان به دنیا آمد. وی در جوانی مطالبی به زبان آورد که نشان‌گر انحرافات فکری او بود به مطالعه زندگی مدعیان دروغین نبوت مانند «سیلمه کذاب» «سجاج» «سودانی» علاقه خاصی داشت. به بهانه ادامه تحصیل به مدینه منوره و سپس بصره، بغداد، کردستان، همدان، اصفهان، و حتی به قم نیز مسافرت کرد. او در جوانی سخت مغرور، متکبر، عصبی مزاج، و نسبت به حکومت عثمانی به شدت بدبین بود. خیلی آزادانه فکر می‌کرد و برای مذاهب چهارگانه اهل سنت هم ارزشی قائل نبود و همان‌گونه که مستر همفر (۶) در خاطرات خود می‌گوید: «من گمشده خودم را در این جوان مغرور و بی‌باک یافتم زیرا او از نظر آزادی، غرور، منش، و تنفری که نسبت به علمای عصر خود داشت و استقلال نظری که حتی نسبت به خلفای چهارگانه اهمیتی نمی‌داد و جز فهم خودش هیچ چیز را قبول نداشت.

به‌همین جهت کم‌نظیر بود و بهترین هدف برای رسیدن به اهدافمان بود» و از این جا بود که پایه‌های وهابیت پی‌ریزی شد. کج‌اندیشی و ظاهر‌گرایی و سطحی‌نگری‌های محمد بن عبدالوهاب و جانشینان او تنها به این موارد ختم نمی‌شد. آنان حتی صلوات و درود بر پیامبر (ص) را امری شرک آلود قلمداد می‌کردند. به طوری که محمد بن عبدالوهاب دستور داد مؤذنی را به جرم سرپیچی از فرمانش گردن بزنند. محمد باقر خالصی می‌نویسد: او پس از کشتن این مرد جسارت را به جایی رسانید که گفت: زن تارزن در خانه‌های مخصوص زنا، کم‌گناه‌تر از کسی است که بر منبرها و مناره‌ها با صدای بلند بر پیغمبر اسلام درود بفرستد. یکی دیگر از نویسندگان وهابیت می‌نویسد: قسم به غیر از خدا شرک است (۹) این در حالی است که در قرآن کریم علاوه بر سوگند به خدا، قریب به ۴۰

## به بهانه تهاجم جدید وهابیون آل سعود به قیور مقدس بقیع

# تاریخچه تاسیس و عملکرد وهابیت

حجت الاسلام قاسمی (۱)

**ابن تیمیه:**

تقی‌الدین ابن تیمیه در سال ۶۶۱ ه.ق در حران از توابع شام به دنیا آمد. پدرش روحانی مذهب حنبلی بود. بعد از سال ۶۹۸ ه.ق به تدریج آثار انحراف در او ظاهر شد و به ویژه هنگامی که الرساله المحمودیه را نگاشت. (۱) او در تفسیر آیه «الرحمن علی العرش استوی» (طه آیه ۵) در شهر حمت (۲) برای خداوند جایگاهی بر فراز آسمان‌ها که در آن تخت تکیه زده است تعیین کرد و آشکارا برای خدا جهت، سمت و جسم مطرح نمود (۳). انحرافات فکری وی به مباحث خدانشناسی محدود نشد و درباره پیامبر (ص) و ائمه (ع) و صالحان نیز کج‌اندیشی‌های بسیاری داشت. از جمله در خواست حاجت از پیامبر (ص) و ائمه (ع) و صالحان را خلاف توحید و امری شیطانی و از نوع شرک قلمداد می‌کرد. (۴) احترام و زیارت قیور پیامبر (ص) و ائمه (ع) از سوی شیعیان و مسلمانان را امری غلوآمیز و بدعت آور و همانند کار مشرکان می‌دانست، (۵) که ناشی از نادانی و شرک بود. اگر چه اهل سنت به شدت با اندیشه‌های انحرافی این تیمیه به مقابله برخاستند ولی پس از چند قرن یکی از پیروان به ظاهر حنبلی به نام محمد بن عبدالوهاب به

برخلاف آن چه بسیاری می‌پندارند آخرین مقاتله (ما) به مثابه سپاه عدالت نه بادموکراسی غرب بلکه با اسلام آمریکایی است، که اسلام آمریکایی از خود آمریکا دیرپاتر است. اگر چه این یکی نیز ولو هزار ماه باشد به یک شب قدر فرو خواهد ریخت و حق پرستان و مستضعفان وارث زمین خواهند شد. سیدالشهداء اهل قلم: سیدمرتضی آوینی رخدادهای پس از رحلت نبی اکرم (ص) اسلام نظیر سلطه معاویه بر جهان اسلام و انکار فضائل امام علی (ع) و نیز ممنوعیت حدیث و نفوذ و آزادی احبار و رهبانین به عنوان مبلغان و بیان کنندگان اسرائیلیات در میان مسلمانان سبب شکل‌گیری یک قالب فکری خاصی گردید که با همه مسلمانان و مذاهب اسلامی در تضاد بود. علی‌رغم تلاش برخی از علمای اهل سنت در نگارش فضائل حضرت علی (ع) باز هم انگشت شماری در جهان اسلام تلاش کردند تا با الگو قرار دادن دستگاه بنی امیه خود را وارث و مبلغ این اندیشه‌های مطرود آنان گردانند و نیز تلاش کردند تا این خط انحرافی در میان مسلمانان به حیات تفرقه‌افکنانه خود ادامه دهد. برجسته‌ترین نظریه پرداز این روش احمد بن تیمیه حردانی دمشقی است.

سوگند به آسمان، ماه، خورشید، زمین، شب، روز، انجیر، زیتون، طور سینا، بلد امین، سپیده دم و جان پیامبر (ص) و... آمده است.

به طور کلی می توان گفت که فرقه وهابیت توسط شیطان بزرگ انگلیس و چند صباحی بعد از معدن فرقه سازی جهان در حیفاء اسرائیل به وجود آمده است لازم به ذکر است خود اسرائیل هم یک فرقه جعلی به حساب می آید که سر منشاء تمام خرابکاری ها و تفرقه افکنی ها در بیشتر ملل آزادی خواه جهان علی الخصوص ملت هایی که عطر ناب محمدی انقلاب اسلامی ایران و نسیم مسیحانی پیر جماران به آن کشورها رسیده است را هدف خود قرار داده اند و بیشتر اختلافات آنان با مسلمانان می باشد، چون خودشان ثروتمندان نه چندان دور این ملت ها بوده اند که بعدها به فکر افتاده اند که اصل نسبی هم داشته اند که قرن ها پیش در فلسطین زندگی می کردند و قضیه ساختگی هلوکاست را پرچم مظلومیت خود می دانند را به دست گرفته اند و با این تبلیغات مردم مظلوم فلسطین را به خاک و خون می کشند.

آن ها به دلیل مذهبی بودن مسلمانان (شیعه و سنی) به این فکر افتاده اند که با تفرقه افکنی میان این دو مذهب عقاید و تفکرات و دیگر افکار پلیدی را که خودشان در نظر دارند را به ما تحمیل و به سمت اهداف خودشان بکشاند. در فارس ها حزب رستاخیز در اعراب حزب بعث با تفکرات ملی و قومی تشکیل دادند. در شیعه بهائیت و در سنی ها وهابیت را ایجاد و ترویج دادند. سمت و سوی هر دو جریان انحراف در دین و ایجاد اختلاف بین مسلمین می باشد. بهائیت در تشیع بدین خاطر که مذهب شیعه از مرجعیت و فقه قوی و قافله سالاری ولی فقیه برخوردار است نتوانست آن جایگاهی را که وهابیت در میان سنی ها دارد را پیدا کند.

همان گونه که امام خمینی درباره پیوند مراکز وهابی با مراکز استکبار جهانی می فرماید: «امروز مراکز وهابیت در جهان به کانون فتنه و جاسوسی

مبدل شده اند که از یک سو طرف اسلام ابوسفیان و اسلام آمریکایی را ترویج می کنند و از طرف دیگر سر بر آستان سرور خویش آمریکای جهان خوار می گذارند.

از آن جا که وهابیت با شعار مبارزه با شرک، مسلمانان را هدف قرار دادند. از آغاز فعالیت تا سلطه بر مناطق حجاز و سایر کشورها از جمله پاکستان و افغانستان، دستاوردی جز قتل و خونریزی و غارت و تجاوز و ویرانگری به دنبال نداشت. شیخ محمد زاهدی کوثری متعقد است پیروی محمد عبدالوهاب ای ابن تیمیه در مشرک خواندن زائیرین و توسل کنندگان به نبی اکرم (ص) و ادعای بدعت در این مورد به قصد مصادره اموال مسلمین ریختن خون آنان بوده است. (۱۲) این فرقه هرگاه فرصتی به دست آورده است اهداف شوم خود را در جهان اسلام به ظهور رسانده است.

### جنایت های وهابیون:

نجف: در سال ۱۲۱۴ ه. ق در نجف مطهر حضرت علی (ع) را مورد تاخت و تاز خود قرار دادند که کاری از پیش نبردند.

### از آن جا که وهابیت با شعار مبارزه با شرک، مسلمانان را هدف قرار دادند. از آغاز فعالیت تا سلطه بر مناطق حجاز و سایر کشورها از جمله پاکستان و افغانستان، دستاوردی جز قتل و خونریزی و غارت و تجاوز و ویرانگری به دنبال نداشت



### کربلا:

در هیجده ذیحجه (عید غدیر خم) ۱۲۱۶ ه. ق که اکثر مردم این شهر مقدس به زیارت نجف رفته بودند حمله کردند و بیش از ۵ هزار نفر را به خاک و خون کشیده و اشیاء قیمتی حرم های شریف را به غارت بردند و از کشتار زنان و کودکان هم دریغ نورزیدند.

### طائف:

وهابیون در سال ۱۲۱۷ ه. ق در منطقه طائف دست به جنایتی زدند که موجب رعب و وحشت غیر قابل وصفی میان اهالی حجاز به ویژه مردم مکه و مدینه گردید. در این تهاجم فرزندان را از مادران به زور می گرفتند و سر می بریدند، عده ای موفق به فرار شدند و جمعی که تسلیم شدند به قتل رساندند. به گزارش مورخان حدود ۵۰ نفر از مردم در خانه های برای حفظ جان خود موضع گرفته بودند که بعد از دستگیری تمامی آن ها را همراه زنان برهنه در بیابانی به نام «وج» رها ساختند که پس از سیزده روز از آنان تعهد به گرایش وهابیت گرفته و به شهر راه دادند. وهابی ها در این حمله با بی حرمتی تمام کتاب های قرآن و حدیث را در کوچه ریختند و اموال غارت شده را در بیرون از شهر میان خود تقسیم کردند.

مکه در سال ۱۳۱۸ ه. ق شهر مکه به وسیله وهابیون محاصره گردید، به طوری که قحطی و گرسنگی شدیدی فراگیر شد و مردم مکه مجبور به تسلیم در برابر آنان شدند در آن زمان حاکم سعودی اعلام نمود: «من شما را تنها به خداپرستی دعوت می کنم و از شرکی که گرفتار آن بودید دست بردارید» در جریان حمله و محاصره پس از تسلیم کشاندن مردم مکه اقدام تخریب کنید زادگاه حضرت رسول (ص)، حضرت علی (ع) و حضرت خدیجه (س) کردند و در جنایت بی سابقه در کتابخانه و موزه شهر مقدس مکه ۶۰۰۰۰ جلد کتاب نادر و ۴۰۰۰۰۰ نسخه خطی دست نوشته های رسول اکرم اسلام (ص) و حضرت علی (ع)، ابوبکر، و عمر و دیگر اموال را به

ادامه در صفحه ۳۲



## صدای سخن عشق

### آتش عشق

حضرت امام خمینی(ره)

کیست کاشفته آن زلف چلیپا نشود  
دیده ای نیست که ببند تو و شیدا نشود  
ناز کن، ناز که دل ها همه در بند تواند  
غمزه کن، غمزه که دلبر چو تو پیدا نشود  
رُخ نما تا همه خوبان خجل از خویش شوند  
گر کشی پرده ز رُخ، کیست که رسوا نشود  
آتش عشق بیفزا، غمِ دل افزون کن  
این دل غمزده نتوان که غم افزا نشود  
چاره‌ای نیست، بجز سوختن از آتش عشق  
آتشی ده که بیفتد به دل و پا نشود  
دَرّه‌ای نیست که از لطف تو هامون نبود  
قطره‌ای نیست که از مهر تو دریا نشود  
سر به خاک سر کوی تو نهد جان، ای دوست  
جان چه باشد که فدای رُخ زیبا نشود؟



وفاطمة  
عليها السلام

وفاطمة  
عليها السلام

فاطمه‌ای همسر شیر خدا  
دخت نبی شافع روز جزا

۱۵ زیارت

شماره ۷ / اردیبهشت ماه ۸۸

وفاطمة  
عليها السلام

# اسوه و الگوی تمام زنان

## زندگی‌نامه حضرت زهرا(س)

پایگاه مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

او یاد می‌کرد. از عایشه، زوجه پیامبر (ص)، نقل شده است که گفت: «احترام هیچ یک از زنان به پایه حرمت و عزت خدیجه نمی‌رسید. رسول الله (ص) پیوسته از او به نیکی یاد می‌کرد و به حدی او را محترم می‌شمرد که گویا زنی مانند خدیجه نبوده است». عایشه سپس نقل می‌کند: روزی به پیغمبر (ص) گفتم: او بیوه زنی بیش نبوده است، پیغمبر (ص) سخت برآشفته به طوری که رگ پیشانی اش برآمد. سپس فرمود: به خدا سوگند بهتر از خدیجه (س) کسی برای من نبود. روزی که همه مردم کافر و بت پرست بودند، او به من ایمان آورد. روزی که همه مرا به جادوگری و دروغ‌گویی نسبت می‌دادند، او مرا تصدیق کرد.

روزی که همه از من روی می‌گردانیدند، خدیجه (س) تمام اموال خود را در اختیار من گذاشت و آن‌ها را در راه من بی‌دریغ خرج کرد. خداوند از او دختری به من بخشید که مظهر پاکی و عفت و تقوا بود. عایشه سپس می‌گوید: به پیغمبر (ص) عرض کردم از این سخن نظر بدی نداشتم و از گفته خود پشیمان شدم. باری، فاطمه زهرا (س)

چنین مادری داشت و چنان پدری.

گفته‌اند: خدیجه از پیغمبر (ص) هفت فرزند آورد: قاسم که کنیه ابو القاسم برای پیغمبر از همین فرزند پیدا شد. وی قبل از بعثت در دو سالگی درگذشت. عبد الله یا طیب که او هم قبل از بعثت فوت شد. طاهر، که در آغاز بعثت متولد شد و بعد از بعثت درگذشت. زینب که به ازدواج ابو العاص درآمد. رقیه که ابتدا با عتبه و پس از آن با عثمان بن عفان ازدواج کرد و در سال دوم هجرت درگذشت. ام‌کلثوم که او نیز به ازدواج عثمان (پس از رقیه) درآمد و در سال چهارم هجرت درگذشت. هفتم فاطمه زهرا (س) که به ازدواج حضرت علی (ع) درآمد و سلاله پاک امامان بزرگوار ما ثمره این ازدواج پر شوکت و برکت است. ولادت فاطمه زهرا (س) را روز بیستم جمادی‌الثانی سال پنجم بعثت می‌دانند که در مکه اتفاق افتاد. بنابراین در

بدون تردید در میان زنان و بانوان اسلامی، فاطمه زهرا (س) محبوب‌ترین چهره دینی، علمی، ادبی، تقوایی و اخلاقی در میان مسلمانان و دیگر مردم جهان به شمار می‌رود. شخصیت فاطمه زهرا (س) سیده نساء العالمین (سرور زنان جهان) اسوه و الگویی تام و تمام برای تمام زنان عاشق عفت و فضیلت است. در دامن پاک فاطمه زهرا (س) بود که دو امام بزرگوار و دو شخصیت ممتاز عالم بشری، حضرت امام حسن (ع) مظهر حلم و وقار و حضرت امام حسین (ع) سرور شهیدان تربیت یافتند، و نیز زینب کبری (ع) حماسه مجسم و مجسمه شجاعت و نمونه یکتا در سخن‌وری و حق‌طلبی که پیام حسینی و حماسه عاشورا را در جهان اعلام کرد و نقاب شرک و ریا و پستی و دنیاپرستی را از چهره یزید و یزیدیان به یک سو زد. کیست که نداند که مادر در تربیت فرزندان به‌ویژه دختران، سهم بسیار زیادی دارد، و فاطمه زهرا (ع) بود که روح آموزش و پرورش اسلامی را در مهد عفت و کانون تقوای خانوادگی به پسران و دختران خود آموخت.

### پدر و مادر:

فاطمه یگانه دختر بازمانده پیغمبر (ص) از خدیجه کبری می‌باشد. چه بگویم درباره پدری که پیغمبر خاتم و حبیب خدا و نجات‌دهنده بشر از گمراهی و سیه‌کاری بود؟ چه بگویم درباره پدری که قلم را توان وصف کمالات اخلاقی او نیست؟ و فصیحان و بلیغان جهان در توصیف سجایای او عاجز مانده‌اند؟ و اما مادرش خدیجه دختر خویلد از نیکوترین و عقیف‌ترین زنان عرب قبل از اسلام و در دوره اسلامی نخستین زنی که به پیامبر اکرم (ص)، شوهرش، ایمان آورد و آن چه از مال دنیا در اختیار داشت در راه پیشرفت اسلام کریمانه بذل کرد. درجه وفاداری خدیجه (س) نسبت به پیامبر (ص) را در بذل مال و جان و هستی اش، تاریخ اسلام هرگز فراموش نخواهد کرد. هم‌چنان که پیامبر اکرم نیز تا خدیجه زنده بود زنی دیگر نگرفت و پیوسته از فداکاری‌های

**فاطمه زهرا(س) وارث صفات  
بارز مادر بزرگوارش خدیجه  
بود در جود و بخشش و  
بلندی نظر و حسن تربیت  
وارث مادر و در سجایای  
ملکوتی وارث پدر و همسری  
دلسوز و مهربان و فداکار  
برای شوهرش علی(ع) بود**



## چگونگی ازدواج فاطمه (س) و علی (ع)

از آغاز معلوم بود و همه می دانستند که جز علی (ع) کسی همسر (کفو) فاطمه دختر پیامبر عالی قدر اسلام نیست. با وجود این، بسیاری از یاران و کسانی که خود را به پیغمبر (ص) نزدیک احساس می کردند، به این وصلت چشم داشتند و این آرزو را در دل می پروردند. نوشته اند : پس از این آزمون ها عده ای از اصحاب به حضرت علی (ع) می گفتند : چرا برای ازدواج با یگانه دختر پیغمبر (ص) اقدام نمی کنی؟ حضرت علی (ع) می فرمود : چیزی ندارم که برای این منظور قدم پیش نهم. آنان می گفتند: پیغمبر (ص) از تو چیزی نمی خواهد. سرانجام حضرت علی (ع) زمینه را برای طرح این درخواست آماده دید. روزی به خانه رسول اکرم (ص) رفت. اما شدت حیا مانع ابراز مقصود شد. نوشته اند دو سه بار این عمل تکرار گردید. سومین بار پیغمبر اکرم (ص) از علی (ع) پرسید: آیا حاجتی داری؟ علی (ع) گفت: آری. پیغمبر (ص) فرمود: شاید برای خواستگاری زهرا آمده ای؟

علی (ع) عرض کرد: آری. چون مشیت و امر الهی بر این کار قرار گرفته بود و پیامبر (ص) از طریق وحی بر انجام دادن این مهم آگاه شده بود، می بایست این پیشنهاد را با دخت گرامی اش نیز در میان بگذارد و از نظر او آگاه گردد. پیامبر (ص) به دخترش فاطمه (س) گفت: تو علی (ع) را خوب می شناسی، علی نزدیک ترین افراد به من می باشد. در اسلام، سابقه فضیلت و خدمت دارد. من از خدا خواستم برای تو بهترین شوهر را برگزیند. خداوند مرا به ازدواج تو با علی امر فرموده است. بگو چه نظر داری؟ فاطمه ساکت ماند. پیغمبر سکوت او را موجب رضا دانست و مسرور شد و صدای تکبیرش بلند شد.

آن گاه پیامبر (ص) بشارت این ازدواج را به علی (ع) فرمود و مهر فاطمه را ۴۰۰ مثقال نقره قرار داد و در جلسه ای که عده ای از اصحاب بودند، خطبه عقد را قرائت کرد و این ازدواج فرخنده انجام شد. گفتنی است که علی (ع) جز یک شمشیر و یک زره و شتری برای آب کشی چیزی در اختیار نداشت. پیغمبر (ص) به علی فرمود: شمشیر را برای جهاد نگه دار، شترت را هم برای آب کشی و سفر حفظ کن، اما زره خود را بفروش تا وسایل ازدواج فراهم شود. پیغمبر (ص) به سلمان فرمود: این زره را بفروش. سلمان زره را به پانصد درهم فروخت. سپس گوسفندی را کشتند و ولیمه عقد ازدواج دادند. این جشن در ماه رجب سال دوم هجرت انجام شد. تمام وسایلی که به عنوان جهیزیه به خانه فاطمه زهرا (ع) دخت گرامی پیامبر (ص) آورده شده است، از ۱۴ قلم

هنگام هجرت، سن آن بانوی یگانه نزدیک نه سال بوده است. نامها و لقب هایی که فاطمه (س) دارد، همه بازگوینده صفات و سجایای ملکوتی اوست، مانند: صدیقه طاهره، زکیه، زهرا، سیده النساء العالمین و خیر النساء و بتول... کنیه های آن حضرت: ام الحسن، ام الحسنین، ام الائمه... و شگفت تر از همه «ام ابیها» یعنی «مادر پدرش» می باشد که نشان دهنده علاقه بسیار زیاد فاطمه (س) است به پدر بزرگوارش و این که با همه کمی سن از آغاز کودکی پناهگاه معنوی و تکیه گاه روحی - بعد از خداوند متعال - مانند خدیجه برای پدر بزرگوارش بوده است. لقب ام ابیها را پیغمبر (ص) به دختر عزیزش عنایت کرد. چون کلمه «ام» علاوه بر مادر، به معنی اصل و منشأ هم به کار می رود و مانند «ام الخبائث» که به شراب (سرچشمه همه زیانها و بدیها) می گویند و «ام القری» که به مکه معظمه گفته می شد، بنابراین ام ابیها به معنی منشأ و اصل و مظهر نبوت و ولایت است، و براستی زهرا (س) درخت سایه گستری بود که میوه های شیرین امامت و ولایت را به بار آورد.

## دوران زندگی فاطمه زهرا (س)

فاطمه زهرا (س) وارث صفات بارز مادر بزرگوارش خدیجه (س) بود در جود و بخشش و بلندی نظر و حسن تربیت وارث مادر و در سجایای ملکوتی وارث پدر و همسری دلسوز و مهربان و فداکار برای شوهرش علی (ع) بود. در لوح دلش جز خداپرستی و عبادت خالق متعال و دوستداری پیامبر (ص) نقشی نبسته و از ناپاکی دوران جاهلیت و بت پرستی به دور بود. نه سال در خانه پر صفای مادر و در کنار پدر و نه سال دیگر را در کنار شوهر گرانقدرش علی مرتضی (ع) دوش به دوش وی در نشر تعلیمات اسلام و خدمات اجتماعی و کار طاقت فرسای خانه، زندگی کرد. اوقاتش به تربیت فرزند و کار و نظافت خانه و ذکر و عبادت پروردگار می گذشت. فاطمه (س) دختری است که در مکتب تربیتی اسلام پرورش یافته و ایمان و تقوا در ذرات وجودش جایگزین شده بود. فاطمه در کنار مادر و آغوش پر مهر پدر تربیت شد و علوم و معارف الهی را از سرچشمه نبوت فراگرفت و آنچه را به سالها آموخته، در خانه شوهر به مرحله عمل گذاشت و هم چون مادری سالخورده و کدبانویی آزموده که تمام دوره های زندگی را گذرانده باشد به اهل خانه و آسایش شوهر و تربیت فرزندان توجه می کرد و نیز آنچه را در بیرون خانه می گذشت، مورد توجه قرار می داد و از حق خود و شوهرش دفاع می کرد.



دختر عزیزش فاطمه(س) را خواست و نزدیکش نشانید و در گوش او رازی گفت که فاطمه سخت به گریه افتاد. پس از آن سخن دیگری گفت که ناگهان چهره فاطمه شکفته شد.

همگان از دیدن این دو منظره متضاد متعجب شدند. راز این رازگویی را از حضرت فاطمه زهرا(س) خواستند، فرمود: نخست پدرم خبر مرگ خود را به من گفت، بسیار محزون شدم و عنان شکیبایی از دستم بشد، گریه کردند، او نیز متأثر شد، دیگر بار در گوشم گفت: دخترم! بدان تو نخستین کسی از خانواده هستی که به زودی به من ملحق خواهی شد. به شنیدن این بشارت خوشحال شدم. پدرم فرمود راضی هستی که «سیده نساء العالمین و سیده نساء هذه الامة» باشی؟ فاطمه(س) گفت: به آن چه خدا و تو بیسنیدی راضی ام. باری، فاطمه(س) سرور زنان عالم و سرور زنان این امت این نو گل خندان باغ رسالت بر اثر تندبادهای حوادث، زود پری شد و چندی بعد از پدر بزرگوارش به وی پیوست. وه که چه کوتاه بود عمر آن ملکه اسلام. آری، مرگ پدری مهربان و دگرگونی‌هایی که پس از رسول خدا (ص) روی نمود، روح و جسم دختر پیغمبر (ص) را آزرده ساخت. وی در روزهایی که پس از مرگ پدر زیست، پیوسته رنجور، پژمرده و گریان بود. هرگز رنج جدایی پدر را تحمل نمی کرد و برای همین بود که چون خبر مرگ خود را از پدر شنید لبخند زد. او مردن را بر زیستنی جدا از پدر، ترجیح می داد. سرانجام، آرزوگی‌ها و ناتوانی تا بدان جا کشید که دختر پیغمبر(ص) در بستر افتاد. در مدت بیماری او، از آن مردان جان برکف، از آن مسلمانان آماده در صف، از آنان که هر چه داشتند، از برکت پدر او بود، چند تن او را دلداری دادند و یا به

دیدنش رفتند؟ ظاهراً جز یکی دو تن از محرومان و ستمدیدگان چون بلال و سلمان کسی از این بانوی گران قدر غم خواری نکرد. اما زنان مهاجر به‌ویژه انصار، که از آرزوگی و بیماری فاطمه(س) خیر یافتند، با مهربانی نزد او گرد آمدند و از او عیادت و دلجویی نمودند. دختر پیغمبر(ص) در بستر بیماری نیز، در پاسخ کسانی که از او احوال‌پرسی می کردند، سخنانی فصیح و بلیغ بر زبان می راند. سخنانی که در آن روز، درد دل و گله و شکوه بانویی داغ دیده و ستم رسیده می نمود، اما به حقیقت اعلام خطری بود، که مسلمانان را از تفرقه افکنی و فتنه انگیزی در آینده بیم می داد. باری، دخت پیغمبر(ص) گفتنی‌ها را گفت و بر اثر مصائب جانکاه و دوری از پدر مهربان گران قدرش رسول مکرم (ص) به گلشن رضوان شتافت.



تجاوز نمی کند: چارقدر سرانداز - دو عدد لنگ - یک قطیفه - یک طاقه چادر پشمی - ۴ بالش - یک تخته حصیر - قح چوبی - کوزه گلی - مشک آب - تنگ آبخوری - تختخواب چوبی - یک طشت لباسشویی - یک آفتابه - یک زوج دستاس و مقداری عطر و بخور. این است جهیزیه و تمام اثاث خانه فاطمه زهرا (س) زوجه علی(ع) سرور زنان عالم. در شب زفاف به جای خدیجه(س) که به جهان باقی شتافته بود، سلمی(اسما) دختر عمیس مواظبت از فاطمه زهرا (س) را بر عهده داشت و رسول اکرم(ص) خود شخصاً با عده ای از مهاجر و انصار و یاران باوفا در مراسم عروسی شرکت فرمود از بانک تکبیر و تهلیل فضای کوچه های مدینه روحانیتی خاص یافته بود و موج شادی و سرور بر قلبها می نشست. پیامبر گرامی دست دخترش را در دست علی(ع) گذاشت و در حق آن زوج سعادت مند دعای خیر کرد و آن‌ها را به خداوند بزرگ سپرد و بدین سان و با همین سادگی عروسی بهترین مردان و بهترین زنان جهان برگزار شد.

### از شادی تا اندوه

در سال یازدهم هجری در آخر ماه صفر رحلت جان‌گداز پیامبر(ص) پیش آمد و چه دردآور بود جدایی این پدر و دختر پدری چون پیامبر گرامی که همیشه هنگام سفر با آخرین کسی که وداع می کرد و او را می‌بویید و می بوسید، دخت گرامی‌اش بود و چون از سفر بازمی‌گشت، اولین دیدار را با دخترش داشت. پیوسته از حالش جويا می شد و رازی از رازها را در گوش جانش می گفت و دختری که پیوسته از کودکی در کنار پدر بود و از او پرستاری می کرد، گاهی با زنان هاشمی به میدان جنگ می شتافت تا حال پدر را جويا شود. چنان‌که در جنگ

احد که به دروغ آوازه درافتاد که پیامبر(ص) در جنگ کشته شده، به دامنه کوه احد شتافت و سر و صورت خونین پدر را شستشو داد و از خاکستر حصیری که سوخته بود بر جراحات پدر پاشید و از زخم‌های آن حضرت مواظبت کرد تا بهبود یافت. دختری که لحظه به لحظه که از کارهای خانه داری و بچه داری فراغت می یافت، به خدمت پدر می رسید و از دیدارش بهره‌مند می شد... آری لحظه جدایی این چنین پدر و دختری فرارسید و چه زود فرارسید. پیامبر(ص) در بستر بیماری افتاد و رنگ رخسارش نمایان‌گر واپسین لحظات عمرش بود. عایشه روایت می کند که پیغمبر(ص) در حالت جان دادن و آخرین رمقهای حیات،



## سیاحت از دیدگاه قرآن

فلسفه سیر در زمین در قرآن کریم مسئله گردش در روی زمین (سیر در ارض) شش مرتبه و در سوره‌های آل عمران آیه ۱۳۷، سوره انعام آیه ۶، سوره نحل آیه ۳۶، سوره نمل آیه ۶۹، سوره عنکبوت آیه ۲۰، سوره روم آیه ۴۲ و سوره سبا آیه ۱۸ آمده است که از شش یاهفت مرتبه مذکور در سوره عنکبوت به منظور اطلاع یافتن از اسرار آفرینش و پنج مرتبه دیگر به منظور عبرت گرفتن از عواقب دردناک و شوم اقوام ظالم و جبار، ستمگر و آلوده می باشد. قرآن برای مسائل عینی و حسی که آثار آن کاملاً قابل لمس است و هم چنین برای امور تربیتی اهمیت خاصی قائل است و مخصوصاً به مسلمانان دستور می دهد که از محیط محدود زندگی خود بیرون آیند و به سیروسیاحت جهان پهناور پردازند در اعمال و رفتار اقوام دیگر و پایان کار آن‌ها بیاندیشند و از این رهگذر اندوخته پر ارزشی از آگاهی و عبرت فراهم سازند.

در دنیای امروز قدرت‌های شیطانی برای گسترش دامنه استثمار خود در سراسر جهان تمام کشورها و اقوام مختلف را بررسی کرده و فرهنگ و آداب و رسوم و هنر، صنایع و هم چنین نقاط قوت و ضعف آن‌ها را به خوبی مورد مطالعه قرار می دهند اما خداوند حکیم در قرآن کریم خطاب به مومنین می فرماید: «شما به جای جباران و ستمگران در زمین سیر کنید و به جای تصمیم‌های شیطانی آن‌ها

درس‌های رحمانی بیاموزید!» آری عبرت گرفتن از زندگی دیگران به مراتب از کسب تجربه های شخصی مهم تر و پرازش تر است زیرا انسان باید در این تجربه ها زبان هایی را متحمل شود تا مسائلی را بیاموزد ولی به وسیله عبرت گرفتن از زندگی و تجارب دیگران بی آن که متحمل ضرر وزیانی شود توشه گران بهایی می اندوزد.

### ۴- سوره نمل آیه ۶۹ :

«قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المجرمین»

( ای رسول به این کافران ) بگو در روی زمین سیر کنید تا بنگرید عاقبت حال بدکاران به کجا کشید ( چگونه هلاک شدند ).

بگو تا نمایند سیر و سفر نمایند خاک زمین را نظر سرانجام بدکارها بنگرید مگر توشه‌ای پند از آن برید

### ۵- سوره عنکبوت آیه ۲۰ :

«قل سیروا فی الارض فانظروا کیف بدأ الخلق ثم الله ینشی النشاء الآخرة ان الله علی کل شیء قذیر.»

( ای رسول ) بگو به مردم که در زمین سیر کنند و ببینند که خدا چگونه نخست خلق را ایجاد کرده و سپس حیات فانی را به حیات ابدی پیوند دهد که خدا بر هر چیز تواناست.

بگو پس نمایند سیر و سفر نمایند خاک زمین را نظر که چون خلق کرد دست روز نخست

پس از آن بیاید زره آخرت همانا که داناست پرودگار چگونه همه چیز کرده درست نباشید خود غافل از عاقبت تواناست بر هر عمل کردگار

### ۷- سبوره روم آیه ۴۲ :

«قل سیروا فی الارض فانظروا و کیف کان عاقبه الذین من قبل کان اکثرهم مشرکین»

( ای رسول ما بگو به مردم که ) در زمین و احوال اهلس سیر کنید تا از عاقبت طوایف پیش از خود که اکثرشان کافر و مشرک بودند آگاه شوید.

بگو در زمین می نمایند سیر ببینید فرجام آن کافران ببینید اقوام و احوال غیر که بودند پیش از شما منکران

### ۸- سوره حج و آیه ۴۶ :

«فلم یسیروا فی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون بها او اذان یسمعون بها فانها لا تعمی الابصار و لکن تعمل القلوب التی فی الصدور»

آیا این کافران در روی زمین سیر نمی کنند تا دل هایشان بینش و هوش یابد و گوششان به حقیقت شنوا گردد که این کافران را چشم سر گرچه کور نیست لیکن چشم با طن و دیده دل ها کور است.

نخواهند سازند آیا سفر مگر آن که آیند آنان به هوش کافران را نی مگر سیر و سفر ؟ یا نباشد چشم واقع بین مگر ؟

# چراغ هدایت و کشتی نجات

ای که مصباح هدایت هستی و فلک نجات  
از چه با این اشکها ایجاد طوفان می کنی؟  
زنده در قبر دل ما بدن کشته تو است  
جان مایی و ترا قبر حقیقت دل ماست

## محبت مکنون

از جمله احادیث نبوی که در واقع بیان گر تأثیر پذیری معنوی مردم از وجود مبارک سیدالشهداء (ع) می باشد، حدیثی است که فرمود: «ان

للحسین محبة مكنونة في قلوب المؤمنين» ۳

در کانون دل های مؤمنین، محبتی نهفته و ویژه نسبت به حسین وجود دارد. کیست که نام حسین (ع) را بشنود و فردی از افراد بشر یا تنی از اولاد انسان باشد و حالت انقلاب و انکسار و دل باختگی برای او فراهم نشود؟ محبت حسین (ع) دل ها را به التهاب در آورده و جگرها را گداخته و مذاق می سازد، و شورش دل و آتش درون را به ریزش قطرات اشک از دیدگان، آشکارا و عیان می کند. در کجای دنیا

دیده می شود که شیعه و دوستدار حسین در آن جا باشد و اقامه عزای حسینی نکنند.

کیست که پس از دادن عزیزترین محبوب و مطلوب خود به اندک فاصله و مختصر

وقت و گذشتن کمتر زمانی، آن مصیبت را فراموش نکند جز مصیبت حسین (ع) که با

این همه طول زمان و گذشتن قرن ها، روز به روز این مصیبت تازه تر و شور و شراره اش بیشتر

و بلندتر می گردد. آیا نه این، جذبه عشق و علاقه و تأثیر محبت و فرط دل بستگی و دل باختگی

علاقه مندان نسبت به آن امام محبوب است؟

و ای بسا، نامحرمان در برابر عظمت و جلالت حسینی تسلیم شده و به

تواضع و تکریم در مقابل نام مبارک حسین و جلال و مقام او قد خویش به

تعظیم و تسلیم خم نموده و به دین و آیین حسینی گراییده و از اکسیر

محبت او مس خود را طلای ناب و زر خالص می گردانند.

به راستی، سنت الهی چنین بوده که

قال رسول الله (ص): «ان الحسين (ع) مصباح الهدی و سفینه النجاه»

من آن نورم که در شب های تاریک، چراغ رهنمای کاروانم

در این دریا منم آن ناخدایی، که کشتی را به ساحل می رسانم

روایت شده که امام حسین (ع) فرمود: «خدمت رسول خدا (ص)

شرفیاب شدم در حالی که ابی بن کعب هم آن جا بود. حضرت رسول

اکرم (ص) فرمود: «مرحبا به تو، ای ابا عبدالله، ای زینت آسمان ها و

زمین. ابی گفت: چگونه او زینت آسمان ها و زمین است در صورتی

که کسی غیر از تو چنین نیست؟ حضرت فرمود: ای ابی، قسم به کسی

که مرا به حق به نبوت مبعوث کرد، حسین بن علی در آسمان بزرگ

تر از روی زمین است، و همانا بر طرف راست عرش الهی نوشته شده

است که او چراغ هدایت و کشتی نجات است» ۱

یکی از برکات فردی حضرت سیدالشهدا (ع) این است که او «چراغ

هدایت» و «کشتی نجات» است. اگر چه همه پیامبران و امامان (ع)

چراغ ها و انوار هدایت و کشتی های نجات و رهایی اند، چنان که پیامبر

اسلام (ص) فرمود:

«انما مثل اهل بیته فیکم کمثل سفینه نوح من دخلها نجا، و من

تخلف عنها هلك» ۲

همانا خاندان و اهل بیت من در میان شما مانند کشتی نوح است

که هر کس داخل آن شود نجات پیدا کرده و هر کس که از آن تخلف

کند هلاک خواهد شد.

اما کشتی نجات حسین (ع) حرکتش بر امواج توفنده و گسترده دریا،

سریع تر و لنگر انداختن و پهلو گرفتن آن بر ساحل های نجات آسان تر بوده

و دایره بهره وری و استفاده از نور مشعل وجود حسین (ع) وسیع تر است.

در آن زمانی که امواج بلند و سهمگین فساد و گناه بر پیکره نیمه

جان جامعه اسلامی، و جان و دل مسلمانان، تازیانه مرگ می زد و

گرداب حوادث و توطئه ها و پلیدی ها، خفتگان در بستر غفلت را بی

رحمانه به قعر تاریکی و تباهی می کشید، این حسین (ع) بود که با قیام

و نهضت الهی خود و شهادت و اسارت اهل بیت خویش، گرفتاران در

این اوضاع خطرناک را از دریای پر تلاطم ساخته شده به دست فتنه

گر «بنی امیه» نجات بخشید و با کشتی رهایی خود، این خفتگان و

غافلان و گرفتاران را به ساحل نجات رهنمون نمود. آری، حسین (ع)

«مصباح الهدی» است تا در این ظلمت کده خاک، دلیل و راهنمای راه

باشد و «سفینه النجاة» است تا در اقیانوس متلاطم فتنه ها و ضلالت

ها، غرق شدگان را که کشتی شکسته بودند فریاد رس باشد.

«خداوند عوض قتل امام حسین(ع) چهار ویژگی به آن حضرت عطا فرموده است :

اول - امامت را در ذریه او قرار داده است

دوم - شفا را در تربت آن جناب قرار داده،

سوم - کنار و زیر قبه او دعا مستجاب می باشد

چهارم-یام زیارت کنندگان او از عمرشان حساب

نمی‌شود»<sup>۶</sup>.

از طرفی در روایات بر این امر تصریح شده که علی بن الحسین (ع) بعد از پدر به امامت رسیده است. چنان که عبدالله بن عتبه روایت کرده: خدمت امام حسین(ع) بودم که پسر کوچکترش «علی» وارد شد. (یعنی حضرت سجاد(ع) که از علی اکبر(ع) کوچکتر بوده است. و این واقعه قبل از تولد علی اصغر می باشد). تا آن جا که می گوید:

عرض کردم : اگر آن امری که از آن به خدا پناه می برم اتفاق افتاد، به چه کسی رجوع کنیم؟ (یعنی امام بعد از شما کیست؟)

فرمود: به این پسر من: علی، او امام و پدر امامان است...<sup>۷</sup>. روایت در این زمینه زیادتر از آن است که در این مختصر بدان ها پرداخته شود، ضمن این که ادامه امامت از ذریه امام حسین(ع) به خاطر مشهور بودن آن، نیازی به استدلال روایی بیشتر از آن چه ذکر شده، ندارد.

باری، استمرار خط مستقیم و هدایت گر امامت به برکت وجود مقدس سیدالشهدا(ع) است، و این از بزرگ ترین برکت های فردی و معنوی آن حضرت است.

او شفیع است این جهان و آن جهان

این جهان در دین و آن جا در جنان

(۱) فرائد السمطين، جوينی خراسانی، ج ۲ ص ۱۵۵

(۲) فرائد السمطين، جوينی خراسانی، ج ۲ ص ۲۴۶

(۳) حماسه حسینی، استاد شهید مطهری، ج ۳ ص ۲۴۷

(۴) بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۴۳، ص ۳۰۹

(۵) بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۴۳، ص ۲۸۱

(۶) وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۰ ص ۳۲۹

(۷) اثبات الهداة، شیخ حر عاملی، ج ۵ ص ۲۱۵

محبت امامی که مسیر تاریخ را عوض کرده و دین الهی را نجات می بخشد به گونه ای خاص در دل و جان مسلمین و مؤمنین قرار گیرد، حتی کسانی که مقابل حسین (ع) قرار گرفتند به قول فرزوق: «دل هایشان با او بود، اگر چه بر اثر دنیا پرستی شمشیر هایشان بر روی او کشیده شد». چه رسد به مؤمنینی که عشق و محبت او با گل آنان سرشته شده است.

حتی محبت حسین (ع) در دل و جان رسول اکرم (ص) نیز ریشه دوانیده بود، به طوری که می فرمود: «هر گاه که به فرزندم حسین می نگرم، گرسنگی و اندوه از وجودم رخت بر می بندد»<sup>۴</sup>. و نیز می فرمود: «بار خدایا، من حسین را دوست دارم و آنان که دوست دار او هستند نیز دوست دارم»<sup>۵</sup>.

راه حسین (ع) راه دل است، و هرگاه عاشقی به دل توجه کند او را پیدا می کند. لذا در برخی روایات وارد است که: «قبر او در دل های دوستداران اوست».

سلام از دور و از نزدیک بهر او بود یکسان بلی قبر شریف او دل اهل یقین باشد آری، دل مؤمن جایگاه تابش نور پر فروغ و احیاگر حسین است. و هرگاه عشق و محبت فراتر از آفاق ظاهری و مادی باشد، رنگ ابدیت به خود می گیرد، زیرا پیوند این محبت در حریم حب خدا بوده است و بقای آن به بقای فیض ذات سرمدی، جاودانه است، که گفته اند:

این محبت از محبت ها جداست

حب محبوب خدا حب خداست.

**سیدالشهدا (ع)، پدر امامان نه گانه**

شاهی که نه سپهر از او برقرار شد

ماهی که مهر و ماه از او کسب نور کرد

یکی دیگر از برکات فردی سیدالشهدا(ع) که از ارزش

معنوی بسیاری برخوردار است، این است که نه امام

معصوم(ع) بعد از او از فرزندان گرامی آن حضرت می باشند،

و نسل امامان به برکت وجود او ادامه یافت. چنان که از

امام باقر(ع) و امام صادق(ع) روایت شده است که فرمودند:

# بازتاب عاشورا در فقه سیاسی شیعه (۳)

نویسنده: سیدضیاء مرتضوی



## جایگاه بحث

پیش از بازگویی دیدگاه فقها درباره عاشورا و چگونگی استناد آنان به حرکت امام(ع) لازم است جایگاه بحث و علت طرح این موضوع در فقه سیاسی بیان شود؛ تا از یک سو محدوده بحث و حوزه تأثیرگذاری آن در کلمات فقها روشن شود و از سوی دیگر نشان دهنده این امر نیز باشد که این دسته از فقها نیز نوعاً در استناد به عاشورا، آن را محدود به یک باب ساخته اند و در باب‌هایی چون امر به معروف و نهی از منکر و مراتب آن و یا در فصل دفاع، از آن سخن نگفته اند.

از جمله مباحثی که در فقه سیاسی، در بخش جهاد، مورد بررسی و بحث قرار گرفته است موضوع «آتش بس» و قرارداد صلح با دشمن و ترک جنگ است که در فقه با عنوان «هدنه» و «مهادنه» از آن نام برده شده و فصلی از بحث جهاد را به خود اختصاص داده است و تعریف مستقلی نیز از آن کرده اند. محقق اول، صاحب کتاب گرانسنگ شرایع الاسلام، متوفای ۶۷۶ه.ق، آن را به «پیمان بر ترک جنگ در مدت مشخص» تعریف کرده است:

«هی المعاقده علی ترک الحرب مدّه معینه.»  
نزدیک به همین تعریف را علامه حلی، متوفای ۷۲۶ه.ق ارائه کرده است:

«هی المعاقده علی ترک الحرب مده من غیر عوض.»  
منظور از قید «بلاعوض» نیز عدم شرطیت و اعتبار «عوض» در چنین پیمانی است نه این که «عدم عوض» شرط صحت آن باشد. این که پیمان «مهادنه» چه حکمی دارد و در شرایط گوناگون، چگونه است، پرسشی است که فقهای ما با توجه به منابع موجود و دلیل‌های متعددی که از کتاب و سنت در این موضوع در دست است به بحث درباره آن پرداخته‌اند. محدوده زمانی و شرایط لزوم پایبندی به آن، و نیز عوامل دیگری که می‌تواند در اصل و فرع آن دخالت داشته باشد، مسائلی چون قوت و ضعف مسلمانان، مصلحت‌اندیشی عمومی

و غیبت امام معصوم(ع) و حتی شیفتگی به شهادت، به عنوان مسائل بیرونی، در کنار ظواهر ادله و نصوص موجود، مورد توجه فقیهان قرار گرفته است. آن چه در این بحث می‌تواند نمای کلی را در تبیین چگونگی راهیابی حرکت امام حسین(ع) به فقه، به دست دهد، پرداختن به همه این مسائل نیست، بلکه تنها نگاهی کلی به مجموعه ادله ای که در اصل بحث و فروع آن مورد استناد و ردّ و پذیرش دیدگاه‌ها قرار گرفته، هر چند به اجمال، می‌تواند فضای بحث و مدخل بازتاب عاشورا در فقه سیاسی را روشن کند. کما این که اگر الگوسازی از حرکت امام(ع) و تبیین منطق حسینی، برای عمل را یک امر شدنی و لازم بدانیم، توجه به ادله و نصوصی که در سیره حضرت(ع)، در همین محدوده بحث مهادنه مورد استناد فقهای عظام قرار گرفته، امری ناگزیر خواهد بود چرا که الگوسازی از یک رویداد که بانی و محور آن، کسی است که جز به خواست خدا و جز در چارچوب اسلام، قدم بر نمی‌دارد و اساساً اسلام مجسم و قرآن ناطق است، نشان دهنده قاعده پذیری و قانون‌مندی آن رویداد است و طبعاً سازگار با دیگر متون دینی و ادله و نصوص خواهد بود و در قاعده‌مند کردن و الگوسازی از آن، چاره‌ای جز پرداختن به نصوص و متون دیگر، اعم از موافق و مخالف، نیست.

از جمله آیاتی که در بحث «هدنه» به آنها استدلال شده و اشاره رفته این‌هاست:

«و ان جنحوا للسلم فاجنح لها.» «و لا تلقوا بایدیکم الی التهلكة.» «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم.» «یا ایها الذین آمنوا قاتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظة.» «الا الذین عاهدتم من المشرکین ثم لم ینقصوکم شیئاً و لم یظاهروا علیکم

احداً فاتّموا عهدهم الی مدّتهم.» «فاذا انسلخ الا شهر الحرم فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم.» «فما استقاموا لکم فاستقیموا لهم.» «قاتلوا الذین لایؤمنون بالله و لایالیوم الآخر



ولا یحرمون ما حرم الله ورسوله ولا یدینون دین الحق من الذین اوتوا الكتاب حتى یعطوا الجزیة عن ید و هم صاغرون.» «و اما تخافن من قوم خیائنة فانبذ الیهم علی سواء ان الله لا یحب الخائنین»

«فلا تهنوا و تدعوا الی السلم و انتم الاعلون و الله معکم.»

علاوه بر آیات یاد شده، مواردی از سیره پیامبر اکرم (ص) و قضایای تاریخی، مورد استناد قرار گرفته است. طبیعی است در نگاه فقها، همان گونه که نوع استناد به این موارد مختلف است، سطح دلالت و استناد نیز متفاوت است ولی در مجموع می تواند نشان دهنده جایگاه استناد به سیره امام حسین (ع) در قضیه کربلا باشد. از جمله موارد اخیر این هاست:

۱. جریان صلح پیامبر (ص) در حدیبیه
۲. مصالحه پیامبر (ص) با اهل نجران در مقابل دو هزار حله
۳. پیشنهاد پیامبر (ص) به عیینة بن حصین در روز جنگ احزاب، برای جدا شدن خود و قبیله غطفان از سپاه ابی سفیان، در برابر دریافت یک سوم خرمای انصار
۴. پیشنهاد مشابه از سوی حرث بن عمرو، رئیس قبیله غطفان برای دست کشیدن از جنگ و دریافت بخشی از خرمای مدینه در برابر آن، و پاسخ پیامبر (ص) به اینکه لازم است با سران انصار در این باره مشورت کند.
۵. موضع قاطع گروه اعزامی پیامبر (ص) به قبیله هذیل، برای تبلیغ و هدایت آن قبیله، و مقاومت آنان تا سر حد شهادت در برابر شیخون دشمن، چنان که شرح بیشتر آن خواهد آمد.

## ۶. پذیرش مصالحه توسط حضرت امام مجتبی (ع)

فزون بر این موارد، استناد به عدم مصالحه حضرت سیدالشهدا (ع) و ایستادگی تا شهادت خود و یاران و اسارت خانواده است که در سخن برخی فقها از جمله صاحب جواهر، که موارد یاد شده نیز همه در کلام وی آمده،

به آن استناد شده است. همان گونه که مفاد کلی آیات یاد شده به دو دسته کلی پذیرش و عدم صلح و آتش بس تقسیم می شود، موارد یاد شده از سیره نیز دو گونه است. آنچه مربوط به گروه اعزامی به قبیله هذیل و نیز اقدام امام حسین (ع) می باشد در جهت مقابل بقیه موارد است. سخن فقهای بزرگوار نیز در حکم مهاندن و شرایط آن بر اساس همین ادله شکل گرفته است. این که «هدنه» واجب است یا جایز و شرایط هر یک چیست، برخاسته از نحوه جمع میان ظواهر دلیل های یاد شده است که به دو بخش کلی تقسیم می شود. دسته ای چون «و ان جنحوا للسلم فاجنح لها» و مصالحه های پیامبر (ص) هدنه را لا اقل جایز و در شرایطی واجب می کند، مثل «و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة» و دسته ای چون «فاذا انسلخ الاشهر الحرم فاقتلوا المشرکین» و عدم مصالحه سیدالشهدا (ع)، مقاتله و عدم هدنه را مطلقاً جایز می سازد، چه توان لازم وجود داشته باشد و چه نباشد.

ورود تحلیل حرکت سیدالشهدا (ع) به فقه درست از همین نقطه است که آن دسته از فقها که به مقتضای ادله نقلی و عقلی، در شرایط عدم توانایی برای مقابله و مقاتله با دشمن، قائل به وجوب هدنه و ترک جنگ شده اند و آن را مطابق موازین و قواعد موجود فقه شمرده و معرفی کرده اند، طبعاً باید به این دسته از ادله که ظاهری غیر از این دارد، پاسخ بگویند. یکی از آن ادله عدم مصالحه سیدالشهدا (ع) و ایستادگی تا شهادت است که علی رغم کمی نیرو و عدم توانایی مقابله با سپاه دشمن صورت گرفت. چگونگی تحلیل فقهی این دو دسته دلیل و جمع میان آنها از جمله مقایسه حرکت امام (ع) با ظواهر دیگر ادله که وجوب پذیرش صلح و ترک مخاصمه را می رساند، بیانگر دیدگاه فقهی این فقیهان درباره حرکت سیدالشهدا (ع) است و میزان استناد به آن و نقشی که در استدلال آنان

ایفا کرده را نشان می دهد و در مجموع گویای بازتاب حرکت تاریخی امام (ع) در فقه سیاسی فقهای عظام می باشد.

اینک با این مقدمه می توانیم به بازگویی نگاه فقهای یاد شده بپردازیم، با این توضیح لازم که اگر در نگاه یک فقیه در تحلیل و ارزیابی حرکت امام (ع) به چند عامل و عنصر توجه شده، توجه مقاله بیشتر به آن دیگران فراز سخن است که دیدگاه وی را از دیگران متمایز می سازد.

تحلیل های موجود در سخن فقیهان بر آن تأکید جسته اند. و هم از آن رو که نظریه وی به روشنی می تواند پیشینه ای برای دیدگاه علامه حلی باشد که دیدگاهی خاص است و شرح آن خواهد آمد.

مرحوم طبرسی در تفسیر آیه «و أنفقوا فی سبیل الله و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة و أحسنوا ان الله یحب المحسنین» که فرازی از آن در بحث «هدنه» نیز مورد استدلال قرار گرفته، همانند دیگر مفسران، احتمالات و وجوهی را مطرح کرده است. اختلاف مفسران در بیان مقصود آیه، برخاسته از وجه ارتباط میان «امر» به انفاق و «نهی» از افتادن در هلاکت و معنای به هلاکت افتادن است. اجمالی از دیدگاه ها این است که برخی منظور آیه را این شمرده اند که شما در راه خدا انفاق کنید و با ترک آن موجب هلاکت خودتان نشوید، چرا که مایه غلبه دشمن بر شما خواهد شد. عده ای نیز مفاد آن را همان معنای رایج در اذهان دانسته اند که شما بی گدار به دل دشمن نزنید و در حالی که توان مقابله و دفع دشمن را ندارید خود را در معرکه و هلاکت نیافکنید. پاره ای مفسران نیز اساساً آن را از بحث جهاد جدا دانسته و مفاد آن را تأکید بر میانه روی در انفاق برای دور ماندن از سختی و هلاکت فقر و بی چیزی شمرده اند.

مرحوم طبرسی، منافاتی میان این احتمالات و گفته ها نمی بیند و از این رو در نگاه ایشان،

مناسب تر می نماید که آیه بر همه وجوه یاد شده حمل شود. سپس به استنتاج فقهی از فراز «و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة» می پردازد و مفاد آن را در سه زمینه مطرح می کند:

۱. هر اقدامی که احتمال خطر جانی در پی داشته باشد حرام است.

۲. امر به معروف و نهی از منکر را می توان در صورت خوف و احتمال خطر، ترک کرد، زیرا یکی از مصداق های «افتادن در هلاکت» است.

۳. اگر امام در رویارویی با کفار و باغیان، نسبت به جان خود یا مسلمانان نگرانی داشته



باشد جایز است با دشمن صلح کند. ایشان برای مورد اخیر به رفتار پیامبر (ص) در صلح حدیبیه و کار امیرالمؤمنین (ع) در صفین و صلح امام حسن (ع) با معاویه مثال می زند:

«و فی هذه الآیة دلالة علی تحریم الاقدام علی ما یخاف منه علی النفس و علی جواز ترک الأمر بالمعروف عند الخوف لان فی ذلک القاء النفس الی التهلکة، و فیها دلالة علی جواز الصلح مع الکفار و البغاة اذا خاف الامام علی نفسه او علی المسلمین كما فعله رسول الله (ص) عام الحدیبیة و فعله امیرالمؤمنین (ع) بصفین و فعله الحسن (ع) مع معاویة من المصالحة لما تشتت امره و خاف علی نفسه و شیعته.»

ملاحظه می کنید که این فقیه و مفسر برجسته، مفاد این فراز آیه را، حرمت هر نوع اقدامی می داند که ضرری را متوجه جان آدمی سازد. و از همین رو می توان بلکه باید برای دفع ضرر، از انجام وظیفه امر به معروف و نهی

از منکر دست کشید و یا با دشمن مصالحه کرد. با این حساب حرکت امام حسین (ع) که به شهادت ایشان ختم شد، در ظاهر، در هر سه نقطه بر خلاف این نتیجه گیری خواهد بود. از این رو، ایشان با طرح این اشکال و پرسش، دو احتمال را مطرح می کند تا از این طریق اقدام امام (ع) به گونه ای تفسیر و تحلیل شود که با مفاد آیه شریفه و نتیجه گیری یاد شده که در نگاه ایشان امری قطعی است، منافاتی نداشته باشد. احتمال دوم ایشان، را پیش از وی در سخن سیدمرتضی نیز شاهدیم و پس از وی نیز در کلام محقق ثانی منعکس شده است که در ادامه بازگو خواهیم کرد. اما پاسخ نخست ایشان، سخنی سؤال انگیز و از نقطه نظر کلامی، برای آنان که معتقدند امام (ع) از آغاز، به خوبی فرجام حرکت و سرنوشت خویش را می دانسته، غیر قابل پذیرش است. و این اعتقادی غالب است و اکثریت قاطع صاحب نظران شیعی بر این باورند و شاهد آن را افزون بر آنچه در مباحث کلامی امامت آمده، متون موجود تاریخی و روایی می شمارند که گواه آگاهی کامل سیدالشهدا (ع) از سرانجام قیام و حتی جزئیات این حرکت می باشد. البته ظاهر سخن بزرگانی چون شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ه ق و شاگردان وی، سیدمرتضی، متوفای ۴۳۶ه ق، و شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ه ق، گفته مرحوم طبرسی را همراهی می کند که اینک از محدوده این مقاله بیرون است. و به هر حال، پیشینه نگاه مرحوم طبرسی در طرح پاسخ نخست را باید همان مباحث و دیدگاه هایی دانست که در برخی آثار کلامی آن بزرگان وجود دارد و همه پیش از وی رحلت کرده اند.

متن سخن مرحوم طبرسی در بیان اشکال و پاسخ یاد شده، که آن را بدون فاصله، پس از فراز پیشین آورده چنین است:

«فان عورضا بأن الحسین (ع) قاتل وحده، فالجواب ان فعله یحتمل وجهین: أحدهما انه

ظن أنهم لا یقتلونه لمكانه من رسول الله (ص) و الآخر انه غلب علی ظنه انه لو ترک قتالهم قتله الملعون ابن زیاد صبراً كما فعل باین عمه، فکان القتل مع عز النفس و الجهاد أهون علیه.»

مفاد سخن طبرسی این است که اگر کسی گفته ما در تفسیر و تحلیل آیه «و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة» را که پیشتر ذکر شد، با این خرده گیری مقابله و خدشه کند که پس چرا امام حسین (ع) به تنهایی جنگید در حالی که نباید خود را به این مهلکه می انداخت، پاسخ آن را به دو شکل می توان داد؛ چرا که درباره اقدام امام (ع) دو احتمال می رود: یکی این که امام (ع) گمان می کرد به خاطر نسبتی که با پیامبر (ص) دارد و جایگاهی که در چشم پیامبر (ص) داشت، در هر حال او را نخواهند کشت، و احتمال دیگر آن که این گمان را داشت که حتی اگر از نزاع و قتال با آنان نیز روی گرداند و باب مصالحه را بگشاید، با این حال، ابن زیاد ملعون او را اسیر کرده و با وضعی ناگوار خواهد کشت، همان رفتاری که با پسرعمویش مسلم (ع) کردند. این بود که کشته شدن با شرافت و عزت، همراه با جهاد را، بر خود برگزید و آن را راحت تر شمرد.

احتمال دوم ایشان را پس از این جداگانه دوباره بازگو و بررسی خواهیم کرد اما احتمال نخست که آگاهی امام (ع) به سرنوشت حرکت و شهادت خویش را، زیر سؤال می برد و در حقیقت آن را نفی می کند، سخنی نیست که بتوان آن را به آسانی پذیرفت و نوع کسانی که در این باره به بحث و پژوهش پرداخته اند، آن را علاوه بر ناسازگاری با مبانی کلامی و اعتقادی، مخالف شواهد و ادله ای می دانند که در منابع تاریخی و حدیثی در این خصوص وجود دارد و به گونه ای اطمینان آور، احتمال یاد شده را مردود می کند. البته مرحوم طبرسی در دو جای دیگر تفسیر ارزشمند خود به گونه ای کلی تر به اصل موضوع علم امامان (ع) پرداخته است که بازگویی آن از حوصله این بحث بیرون است.

# بیمه زائران محترم اعتبار مقدس عراق

از آن جا که این نشریه از ابتدا بنا را بر اطلاع رسانی دقیق به زائرین حرم اباعبدالله (ع) گذاشته و همواره بر وظایف مطبوعاتی خویش پافشرده است، در این شماره مقایسه ای داریم بر نحوه خدمت رسانی واحد بیمه شمس بر اساس قرارداد با شرکت بیمه البرز در گذشته و بیمه سینا در حال حاضر که امید است مورد استفاده کارگزاران محترم زیارتی و زائرین ارجمند واقع گردد. لازم به تذکر است قرارداد حاضر به همت و یاری و ابتکار عمل معاون محترم عتبات صورت پذیرفته که به این وسیله از این برادر ارجمند و تمامی دست اندرکاران این طرح در مجموعه سازمان حج و زیارت و شرکت شمس قدرانی می گردد.

**جدول مقایسه خدمات بیمه ای زائران عتبات عالیات عراق به وسیله شرکت بیمه البرز (قرارداد قبلی) و شرکت بیمه سینا (قرارداد جدید):**

ردیف	نوع پوشش بیمه عمر	قرارداد قبلی ( بیمه البرز )	قرارداد جدید ( بیمه سینا )
۱)	فوت به هر علت	ریال ۴۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰	ریال ۵۵ / ۰۰۰ / ۰۰۰
۲)	فوت به علت حادثه	ریال ۴۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰	ریال ۷۰۰۰۰۰۰
۳)	مجموع سرمایه عمر و حادثه	ریال ۸۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰	ریال ۱۲۵ / ۰۰۰ / ۰۰۰
۴)	فوت به علت حادثه تروریستی	ریال ۴۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰	ریال ۱۲۵ / ۰۰۰ / ۰۰۰
۵)	نقص عضو و از کار افتادگی دائم (عادی)	ریال ۴۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰	ریال ۷۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰
۶)	نقص عضو و از کار افتادگی دائم (تروریستی)	ریال ۲۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰	ریال ۷۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰
۷)	حمل و انتقال جنازه	تعهدی نداشت	از محل سرمایه فوت ( بدون سقف)
۸)	هزینه های درمان به شرط بستری	ریال ۱۵ / ۰۰۰ / ۰۰۰	ریال ۶۷ / ۰۰۰ / ۰۰۰
۹)	حمل و انتقال بیمار حداکثر ۳ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال از محل بستری (درمان ) ۹۶ / ۵۰۰ / ۰۰۰ ریال	از محل تعهدات بستری (بدون سقف) حداکثر سرمایه هر نفر (عمر , حادثه, درمان ) ۱۹۲ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال	سقف تعهدات در حادثه بزرگ
	سقف تعهدات در حادثه بزرگ	حداکثر ۲۵ نفر	سقف تعهد ندارد
	پوشش هزینه های بستری در عراق	پوشش نداشت	تا سقف تعهدات بستری (۶۷ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال)
	طول درمان	نداشت	دارد
	پوشش پس از ترخیص از بیمارستان	پوشش نداشت	تا سه ماه پس از ترخیص
	درمان سرپایی	۱ / ۵۰۰ / ۰۰۰ ریال	تا سقف بستری فقط در اثر حادثه ۶ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال
	پوشش بار رفت	۱ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال	۲ / ۵۰۰ / ۰۰۰ ریال
	پوشش بار برگشت	۲ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال	۷ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال
	حداکثر تعهد بار در طول قرارداد	۱ / ۲۵۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال	۲ / ۵۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال
	میزان کسر استهلاک	۳۰ درصد	۴۰ درصد
	حق بیمه	۲۰ / ۰۰۰ ریال	۳۰۰۰۰ ریال
	مدت پوشش از ۷۲ ساعت قبل از خروج از مرز تا ۷۲ ساعت پس از ورود به کشور	۷۲ ساعت پس از ورود به کشور	۴۸ ساعت قبل از خروج از کشور تا ۷۲ ساعت پس از ورود به کشور
	پوشش درمان عوامل ستادی	۷۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال	۲۰۱ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال
	فوت عوامل ستاد به هر علت	۱۵۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال	۱۵۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال
	فوت اعضای خانواده عوامل ستادی به هر علت	۸۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال	۱۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال
	نقص عضو و از کار افتادگی عوامل ستادی	۷۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال	۷۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال
	صندوق ذخیره زائر	نداشت	دارد
	سهام زائر در صندوق ذخیره نداشت	نداشت	۲ / ۵۰۰ ریال به ازای هر زائر
	آورده بیمه در صندوق ذخیره زائر	نداشت	۳ / ۰۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال
	سود متعلق به صندوق	نداشت	۱۹ درصد
	مرور زمان دعاوی	۴ سال	شامل مرور زمان نمی گردد

در بند الحاقی و مکمل این قرارداد آمده است که زائر می تواند علاوه بر موارد یادشده، خود را تا هر سقفی که مایل باشد، بیمه نماید.

# از ری تا کربلا

روزِ جمعه است و میرِ شهرِ ری  
راهِ تهران تا نجف را کرده طی  
هم «شریفی ۱»، هم «شریعت ۲» زین سفر  
گشته با «یاسینی ۳» ما همسفر  
آن که محسن گشته از احسانِ رب  
ذکرِ یا رب یا حسین (ع) دارد به لب  
«اکبری ۴» هم شد دلیل و رهنما  
چون که با کارِ عراق هست آشنا  
شد سعادت تا به همراه «عرب ۵»  
در حرم‌ها لب گشایم شکرِ رب  
من «نگاهم از مدینه ۶» تا به  
شام «صادقی ۷» را می‌بریم پیشِ امام  
با «مجیدم ۸» می‌کنم راز و نیاز  
نزدِ مولا شد اقامه نماز  
در نجف نزدِ امیرالمؤمنین  
یاد شد از زینبِ (س) مرد آفرین  
گفتم: شاهِ نجف، مولا علی (ع)  
این دل از عشقِ شما شد منجلی  
یا علی، از شامِ ویرانِ آدم  
از گذرگاهِ شهیدانِ آدم  
می‌رسانم من سلامِ دخترت  
زینتِ با با و نورِ منظرت  
او سفیر و قهرمانِ کربلاست  
باغبانِ لاله‌هایِ نینواست  
یا علی، نزدِ رقیه (س) بودام  
چشمِ دل بر مرقدِ او سودام  
عاشقان و سینه‌چاکانِ شما  
دردِ خویش را می‌کنند آن‌جا دوا

یا علی، از پیشِ «عمار» آدم  
سویِ آن یارِ وفادارِ آدم  
او که در صفین بود یارِ شما  
بوده در ایثار و پیکارِ شما  
در حریمِ کبریا محرمِ شدم  
با «اویس قره‌نی» همدم شدم  
یا علی، هجرانِ «حجرت» دیده‌ام  
در کنارِ او بسی نالیده‌ام  
من کنون زان جا به پیشِ آدم  
نزدِ فرزندان و خویشِ آدم  
آدم بر زائران خدمت کنم  
بهرِ یارانِ شما همت کنم  
بعدِ نجوا با امامِ متقین  
سرزدیم بر عالمان و اهلِ دین  
مرجعِ دین، آیت‌اللهِ حکیم  
او «سعید» است و بود مردِ سلیم  
می‌رویم در منزلِ شیخِ کبیر  
عالمِ دین آیت‌اللهِ بشیر  
در نمازِ جمعه هم با اشتیاق  
رفته‌ایم با رهنمایی از عراق  
میزبانِ ما شده «شیخ علی ۹»  
والدش مولی بود، اهلِ دلی  
مرجعِ دیگر که فیاض نام او  
می‌شنیدم صحبتِ آرام او  
سهله و خنانه و جایِ کمیل  
بس جمعیتِ دیده‌ام مانندِ سیل  
میثمِ تمار و کوفه هم چنین  
موج می‌زد از حضورِ زائرین

جمعه ما هم بدین صورت گذشت  
تا چه باشد روزِ دیگر سر گذشت  
شنبه شد ری شهرِ اهلِ ولا  
دیده او سیستانی درد آشنا  
بعد از آن با جمعِ یارانِ کبار  
می‌رویم در مجلسِ با اقتدار  
بوده این مجلس، «مقدس» ۱۰ مجلسی  
چون که دارد از نیایشِ جالسی  
جمع بودند مرشدینِ کاروان  
مشکلِ زوار می‌کردند بیان  
داشت ری شهرِ در این محفل حضور  
پاسخش با اکبری مانندِ نور  
در همین مجلس، حسینی شریف  
سیدی از نسلِ مردانِ حنیف  
گشته او مسئولِ بعثه در عراق  
این معارف در نجف شد اتفاق  
از نجف ما رفته‌ایم تا کربلا  
بهر دیدارِ حسین (ع) سر جدا  
کربلایی، متولیِ حرم  
می‌کند بر مردمِ ایران کرم  
بر مریدانِ حرمِ مهمان شدیم  
هم زبان با هریک از آنان شدیم  
کربلا نیز اجتماع بر پا شده  
بحثِ حج و شرکتِ شمسا شده  
بازدید از مطبخِ آن کرده‌ایم  
گفتگوهایِ فراوان کرده‌ایم  
کم کمک خارج شدیم از کربلا  
کرده‌ایم رو سوی شهرِ سامرا

عسکریین را زیارت کرده‌ایم  
 ما به سردایش عبادت کرده‌ایم  
 صد دعا کردیم به یارانِ حسین (ع)  
 زائران و دل سپارانِ حسین (ع)  
 بعدِ هادی (ع) رفته‌ایم پیشِ وُلد  
 نزدِ سیدِ محمد که باشد در «بَلَد»  
 از بَلَدِ رُویِ سُوئی «مولى ۱۱» کرده‌ایم  
 بیعتی با حجِّ عَلیا کرده‌ایم  
 با جنابش هم نشستیم داشتیم  
 ر دلش نخلِ محبّت کاشتیم  
 سوییِ بغداد آمدیم تا کاظمین  
 دمرقدِ هفتمِ امامِ عالمین  
 در جوارش از تمنا گفته‌ایم  
 دَرّی از دریای معنا سَفته‌ایم  
 گفته‌ایم آقا زایران آمدیم  
 مشهدِ نورِ خراسان آمدیم  
 باشد آن‌جا مرقدِ پاکِ رضا (ع)  
 از کنارش آمدیم با التجا  
 می‌رسانیم ما سلامِ خاصّ او  
 گرچه باشد در دلِ ما آرزو  
 از پدر یا از پسر خواهان شدیم  
 حامیانِ زائرِ ایران شدیم  
 آن «شکرآرا» شده همراه ما  
 بوده شمسِ غایب و پیدایِ ما  
 زین سفر «ألفت ۱۲» گرفتیم با همه  
 رفته‌ایم در هر کجا بی‌واهمه  
 «بهبهانی» که وزیرِ راهِ ماست  
 در امورِ زائران آگاهِ ماست

آمده بغداد، رأسِ هیاتی  
 با وزیرِ نقلِ کرده بیعتی  
 تا که حمل و نقلِ ما آسان شود  
 فرصتی بر مردمِ ایران شود  
 با توکلِ بر خداوندِ کریم  
 آمده در کویِ «عمّارِ حکیم»  
 هم‌ره یاران و هم‌گامِ «سفیر ۱۳»  
 نزدِ ری شهری رسیده این وزیر  
 بشنوید اوضاعِ پایانِ سفر  
 شد تمامِ وقتِ هیات در هدر  
 وقتِ برگشتنِ فرودگاهی نبود  
 بهرِ پروازِ همه جایی نبود  
 اختلالاتِ هوا آغاز شد  
 مانع از انجامِ این پرواز شد  
 راهِ پروازِ هوایی بسته شد  
 مرکبِ پروازِ ما هم خسته شد  
 ما ز تغییرِ هوا حیران شدیم  
 از عذابِ زائرینِ نالان شدیم  
 تا که تحقیقِ همه کامل شود  
 حکمتی شد تا غبارِ نازل شود!  
 جمع ما با خستگی و التهاب  
 راهِ ایلام را نموده انتخاب  
 در نهایت راهیِ ایران شدیم  
 از ره کُوت واردِ مهران شدیم  
 حاکمِ مهران که با «منصور ۱۴» بود  
 بهرِ استقبالِ ما مسرور بود  
 شیخِ رحمانی ز رویِ احترام  
 تا به کرمانشاه نموده اهتمام

«نجفیان ۱۵» تا که این صحنه بدید  
 بهرِ مهمانانِ بلیطی تهیه دید  
 ای صبا اندر سفر با عالمان  
 مشکلِ پرواز را کردی بیان  
 گر بگیرد آسمان در دم غبار  
 خلبانِ پا را گذارد بر فرار  
 لاجرم پرواز زمینی می‌شود  
 وضعِ زائرِ این چینی می‌شود!!  
 با گزارشِ حرکتی پیوسته کن  
 فکری بهرِ زائرِ دل خسته کن  
 ناصر صبا  
 ۸۸/۲/۱۶ لغایت ۸۸/۲/۱۱

#### ملاحظات :

۱. محسن شریفی
۲. محمد شریعت مداری
۳. محمود یاسینی
۴. حسین اکبری
۵. حجه الاسلام و المسلمین محمد صادق عرب
۶. مدینه نگاه
۷. عطاء اله میر صادقی
۸. مجید آخوند زاده
۹. مسئول امور روحانیون هیئت حج و عمره عراق
۱۰. حجه الاسلام و المسلمین مقدس نیا
۱۱. حجه الاسلام و المسلمین تقی مولى رئیس هیئت حج و عمره عراق
۱۲. حجه الاسلام و المسلمین الفت
۱۳. سفیر ایران در عراق
۱۴. منصوری نماینده شمس در مرز مهران
۱۵. مدیر حج و زیارت استان کرمانشاه

# اخبار شمس

نظر صریح مقام معظم رهبری اعلام شد:

## الحاق سازمان حج و زیارت به مجموعه گردشگری شایسته نیست

خبرگزاری فارس: دفتر مقام معظم رهبری طی نامه‌ای خطاب به نماینده ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی نظر مقام معظم انقلاب مبنی بر مخالفت با الحاق سازمان حج و زیارت به سازمان میراث جهانی و گردشگری را ابلاغ کرد.

### جناب حجت الاسلام و المسلمین ری شهری دامت توفیقه نماینده محترم ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی

سلام علیکم

مقام معظم رهبری خطاب به جنابعالی فرمودند:

جناب حجت الاسلام ری شهری دامت افاضاته

در باره جابجایی سازمان حج و زیارت به جناب آقای رییس جمهور موکد تذکر داده شد که الحاق این سازمان به مجموعه گردشگری شایسته نیست مقرر گشت وضعیت به شیوه سابق باقی بماند لذا مقتضی است جنابعالی برنامه‌های خود را طبق روال سابق ادامه دهید. وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و رییس محترم سازمان حج و زیارت در جریان امر قرار گیرند. مراتب برای اطلاع و اقدامات لازم اعلام می‌گردد.

دفتر مقام معظم رهبری

### نامه محبت‌آمیز رییس سازمان حج و زیارت به رئیس‌جمهور

خبرگزاری فارس: در پی منتفی شدن الحاق سازمان حج و زیارت به سازمان گردشگری و میراث فرهنگی، مصطفی خاکسار قهرودی، رئیس سازمان حج و زیارت با نامه‌ای به رئیس‌جمهور، بزرگ‌ترین افتخار را خدمت در دولت نهم خواند. در این نامه محبت‌آمیز آمده است:

برادر ارجمند جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد

رئیس جمهور محبوب و معزز جمهوری اسلامی ایران

با اهداء سلام و تحیت

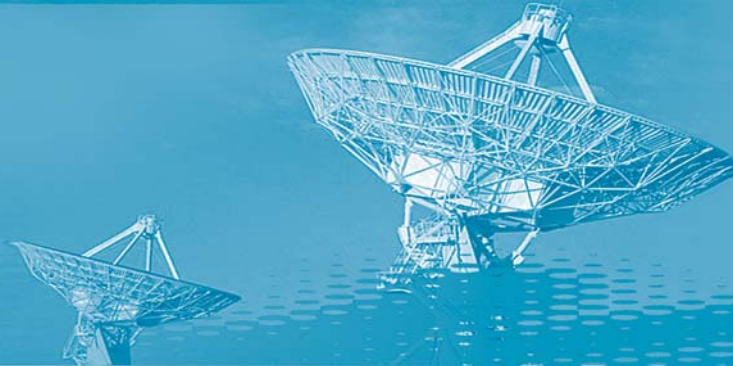
احتراماً اینجانب و همکارانم در سازمان مرکزی حج و زیارت و دفاتر استان‌ها و نیز همه آن‌ها که کارگزار حج و زیارت محسوب می‌شوند بزرگ‌ترین افتخار را خدمت در دولت نهم می‌دانند.

دولتی که دیدگاهش نزدیک‌ترین به ولایت فقیه است و عملکرد رئیس آن بارها و بارها در مقاطع مختلف از سوی مقام عظمای ولایت مهر تأیید خورده است. دولتی که در مجامع بین‌المللی با شهامت و جسارت حضور یافته و از کیان نظام و انقلاب به احسن وجه دفاع کرده و در داخل از هر فرصتی برای خدمتگزاری به مردم در جای جای میهن اسلامی بهره برده است.

بدون تردید در دوره ۴ ساله دولت نهم شعارهای انقلاب اسلامی احیا شده و اندیشه امام راحل (ره) بیش از هر زمان دیگری در دستور کار قرار گرفته و رهنمودها و منویات رهبر خردمند انقلاب افزون‌تر از هر زمان دیگری چراغ راه شده است. تلاش می‌کنیم تا با فراهم آوردن بستر مناسب برای حج و زیارت در کنار دولتمردان محبوب، عطر معنویت را در جامعه اسلامی مان بگسترانیم و در فضای فرهنگی کشور و جلوگیری از شیخون فرهنگی دشمنان ایفای نقش نماییم.

مصطفی خاکسار قهرودی

معاون وزیر و رئیس سازمان حج و زیارت



## پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب اسلامی در پی حادثه ی مصیبت بار تروریستی در عراق

بسم الله الرحمن الرحيم

حادثه‌ی مصیبت بار تروریستی در عراق و شهادت مظلومانه‌ی زائران حسینی و راهیان حرم دوست، دل‌هایی را غم‌زده و عزادار کرد که به عشق خاندان پیامبر می‌تپد و سعادت و فلاح را در پیروی از محمد و آل محمد صلی الله علیه و علیه می‌داند. روسیاهانی که دست به خون این مظلومان آغشته و مرتکب این جنایت بزرگ شده‌اند بدانند که رضایت شیاطین انس و جن را بر خشنودی اولیاء الهی ترجیح داده و خود را در آتش قهر و خشم خدای عزیز و قهار افکنده‌اند، «و ان جهنم لمُحیطه بالکافرین.» دست‌های پلید و مغزهای شریری که این تروریسم کور و بی‌مهار را در عراق بنیان نهاده‌اند نیز بدانند که آتش به دامان خود آنان خواهد گرفت و مانند برخی دیگر از کشورهای اسلامی، نیت شوم آنان بیش از همه، گلوی خودشان را خواهد فشرد. متهم اصلی در این جنایت و نظائر آن، نیروهای امنیتی و نظامی آمریکایند که به بهانه‌ی مقابله با تروریسم، کشوری اسلامی را ستمگرانه اشغال کرده و ده‌ها هزار انسان را در آن به خاک و خون کشیده و روز بروز ناامنی را در آن افزایش داده‌اند. رشد علف‌های هرزه و زهرآگین تروریسم در عراق، بی‌گمان در سیاه‌ی جنایات امریکا نوشته می‌شود و دستگاه‌های اطلاعاتی امریکایی و اسرائیلی نخستین متهمان آن‌اند. انتظار ما از دولت عراق آن است که با این جنایات به مقابله‌ی جدی برخیزد و امنیت زائران عتبات عالیات را به طور کامل تأمین کند. کشتگان این حادثه، شهیدان زیارت بارگاه حسینی‌اند و پاداش آنان نزد خدای عزیز و رحیم است انشاءالله، ولی دل‌های بازماندگان و دوستداران، مالمال از غم است. اینجانب به همه‌ی داغداران این حادثه به‌ویژه خانواده‌ها و بازماندگان عرض تسلیت می‌کنم و شفای مجروحان را از خداوند منان مسألت می‌نمایم.

سیدعلی خامنه‌ای

۴/اردیبهشت/۱۳۸۸

## پیام تسلیت آیت‌الله محمد محمدی ری شهری به محضر رهبر انقلاب اسلامی



در پی وقوع حادثه تروریستی در استان دیاله عراق، آیت‌الله محمد محمدی ری شهری نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت پیام تسلیتی خطاب به مقام معظم رهبری صادر کرد. در این پیام آمده است: شهید و مجروح شدن جمعی از زائران عتبات عالیات در منطقه دیاله عراق، قلوب مؤمنان و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام را جریحه‌دار و آنان را داغ‌دار ساخت و بار دیگر به جهانیان ثابت کرد که اشغالگران با هدف تأمین امنیت و اصلاح به منطقه نیامده‌اند و به دنبال غارت و چپاول ثروت‌های مادی و معنوی کشور عراق هستند. در پیام تسلیت ری شهری افزوده شده است: ایادی آمریکا در منطقه نیز دوره تجر و قشری‌گری را روبه پایان می‌بینند، از این‌رو سعی می‌کنند با تلاش‌های سیاسی و مالی خود به این مزدوران از خدا بی‌خبر از بیداری دینی جلوگیری و هم‌سو با بیگانگان، از رشد و پیشرفت کشور عراق ممانعت به عمل آورند. نماینده ولی فقیه امور حج و زیارت در پیام خود به رهبر انقلاب آورده است: اینجانب این مصیبت جانگداز را به محضر حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه و حضور حضرت‌عالی تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای شهیدان این حادثه رحمت و رضوان الهی و برای بازماندگان آنان صبر جمیل و اجر جزیل و برای مجروحان شفای عاجل مسئلت دارم.

## ۶۵۶ شهید در عملیات انتحاری دیاله عراق

انفجاری در سوم اردیبهشت ماه ۱۳۸۷ در نزدیکی یک رستوران در منطقه هارونیه از توابع شهرستان مقدادیه رخ داده است.

دربزرگترین عملیات انتحاری سال جاری در عراق ۵۶ ایرانی به شهادت رسیدند. در این حمله یک عامل انتحاری زمانی که شش دستگاه اتوبوس حامل زائران ایرانی برای نماز و صرف ناهار در مقابل رستوران بین راهی خانقین در حوالی مقدادیه از توابع استان دیاله توقف کرده بودند، خود را به داخل رستوران رساند و کمر بند انفجاری را منفجر کرد.

از این شهدا، تعداد ۲۶ نفر زن و ۲۶ نفر مرد و یک بچه بوده اند.

اتوبوس‌های ورودی مربوط به تهران و خروجی‌ها مربوط به تبریز بوده است. حسین اکبری معاون عتبات عالیات سازمان حج و زیارت گفت: مکان این حادثه در رستورانی در ۱۵ کیلومتری مقدادیه در مسیر مرز



خسروی به سمت بغداد و در ۹۰ کیلومتری شمال شرق پایتخت عراق بوده است و گروه‌های امدادی و پزشکی سازمان حج و زیارت (مستقر در بغداد)، پس از این واقعه، برای رسیدگی به مجروحان حادثه و انتقال مجروحان و شهدا به ایران، به بیمارستان استان دیاله عراق اعزام شدند. به گفته معاون عتبات عالیات سازمان حج و زیارت این حادثه تروریستی در کاروان زائرانی رخ داده است که به صورت انفرادی و از مسیر خانقین به عتبات عالیات اعزام شده بودند. برخی خبرها از مجروح شدن حدود ۶۰ زائر ایرانی در این انفجار حکایت دارد. فرماندهی ستاد عملیات دیاله عراق نیز به دفتر واحد مرکزی خبر در بغداد اعلام کرد: در بین کشته شدگان این عملیات تروریستی فقط دو عراقی دیده می شوند.

## ۱۳۰ شهید و زخمی در دو انفجار در کاظمین عراق

به گزارش شبکه خبر، بر اثر این دو انفجار، ۳۰ تن شهید و حدود ۱۰۰ نفر زخمی شدند. آقای شکرآرا نماینده سازمان حج و زیارت در عراق اعلام کرد: روز جمعه چهارم اردیبهشت ماه حدود ساعت ۱۳ به وقت محلی، دو انفجار در مقابل درهای باب القبله و باب المراد حرمین کاظمین علیهم السلام در عراق به وقوع پیوست. در این حادثه ۱۶ نفر از زائرین ایرانی که به صورت آزاد به عتبات مشرف شده بودند به شهادت رسیده و ۳۰ تن نیز مجروح شدند.

## رئیس سازمان حج و زیارت وارد عربستان شد

خاکسار قهرودی، رئیس سازمان حج و زیارت جمهوری اسلامی ایران عصر روز پنجشنبه ۱۳۸۸/۱/۲۷ وارد فرودگاه جده شد و مورد

استقبال مقامات سعودی و مسئولان ایرانی مستقر در عربستان قرار گرفت.

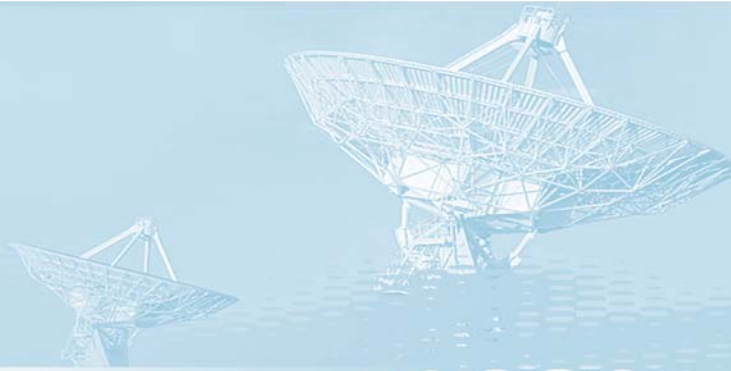
در این مراسم که سرکنسول جمهوری اسلامی ایران در جده، مسئول دفتر نمایندگی سازمان حج و زیارت در عربستان و تعدادی از



مسئولان اجرایی عمره نیز حضور داشتند، خاکسار قهرودی به همراه هیأت همراه پس از ورود به فرودگاه جده، مورد استقبال تنی چند از مسئولان وزارت حج عربستان سعودی قرار گرفت.

رایزنی و تفاهم برای عقد قرارداد در خصوص اجرای برنامه حج تمتع ۸۸ و بازدید از فرآیند عملیات اجرایی عمره امسال، از جمله اهداف سفر قهرودی به عربستان سعودی اعلام شده است. در این سفر، به منظور بالا بردن کیفیت خدمات به زائران و تسهیل اجرای امور برای کارگزاران حج تمتع آینده، دیدار و گفتگوهای مهمی با مسئولان سعودی انجام خواهد گرفت، لذا در حاشیه جلسات ریاست سازمان حج و زیارت جمهوری اسلامی ایران و وزیر حج عربستان، جلسات تخصصی با حضور اعضای هیأت همراه و مسئولان دفتر نمایندگی با سندیکای اتوبوس‌رانی عربستان، مکتب و کلاء موحد، موسسه مطوفی حجاج ایران، موسسه «ادلاء» مدینه منوره





ایران از استان‌های مختلف برای عبور از این مرزها تقسیم بندی خواهند شد. لذا به نحوی حجم بالای زائران در بسیاری از مواقع زمانی کنترل می شود و زائران با سهولت بیشتری از این مرزها عبور خواهند کرد.

معاون عتبات عالیات سازمان حج گفت: اکنون در حال بررسی مسیر مناسبی برای عبور زائران ایرانی کشور سوریه به کشور لبنان و زیارت اماکن زیارتی این کشور هستیم که در این مسیر مناسب، برنامه ریزی سفر، ایستگاه ها، تغذیه و اسکان مسافران، آماده و به کاروان های زیر نظر سازمان حج و زیارت اعلام خواهد شد.

وی گفت: در برنامه جدید، زائران از مرز سوریه به لبنان و از مرز مذکور به جنوب لبنان خواهند رفت و سپس به بیروت، بعلبک و از بعلبک به شهر حمص و از حمص به رقه و اگر امکان آن باشد، از رقه به عروفا در ترکیه رفته و اماکن زیارتی آن جا را نیز زیارت می کنند.

حسین اکبری مسیر بازگشت زائران را از شهر حلب به دمشق و از دمشق به ایران اعلام کرد و گفت: هماهنگی هایی نیز صورت گرفته که مرز عروفا ۲۴ ساعته باز باشد. وی گفت: پیش بینی ما این است که مردم به شدت از این مسئله استقبال خواهند کرد، زیرا حرکت در مسیر زیارتی عتبات عالیات عراق و کشور سوریه در یک سفر صورت گرفته و زائر می تواند به اماکن متعدد زیارتی مشرف شود.

معاون عتبات مقدسه سازمان حج و زیارت:

### تصادف اتوبوس حامل زائران ۲۹ کشته بر جا گذاشت

حسین اکبری در گفت و گو با خبرنگار اجتماعی فارس افزود: صبح امروز ترمز اتوبوسی که حامل زائران انفرادی عتبات عالیات بود و از

سمت کرمانشاه به سمت ایلام حرکت می کرد برید و به خانه های مردم برخورد کرد. وی اضافه کرد: این حادثه ۲۹ نفر کشته و ۹ نفر مجروح داشته که حال دو نفر از مجروحان وخیم گزارش شده است.



و هواپیمایی و وزارت بهداشت سعودی برگزار می گردد. در این جلسات، مسائل اجرایی حج تمتع سال جاری مورد بحث و بررسی قرار گرفته، در پایان قراردادهای لازم در زمینه های مختلف تنظیم و امضا می شود.

شایان ذکر است که دیدار مردمی آقای خاکسار قهرودی در زمان حضور ایشان در تهران، هر هفته روزهای سه شنبه از ساعت ۱۴ تا ۱۷ امکان پذیر است. لطفاً برای تنظیم وقت ملاقات با رئیس سازمان حج و زیارت، با شماره تلفن ۶۴۵۱۲۵۱۰ هماهنگ فرمایید.

معاون عتبات عالیات سازمان حج و زیارت:

### توافقاتی رسمی برای ایجاد مسیر جدید زیارتی سوریه از طریق مرز عراق صورت گرفت

از این طریق زائران ایرانی می توانند پس از زیارت عتبات عالیات از کشور عراق، عازم کشور سوریه شده و به حرم های مطهر حضرت زینب و حضرت رقیه (سلام الله علیهما) مشرف شوند.

معاون عتبات عالیات سازمان حج و زیارت گفت: توافقات رسمی با مسئولان عراقی برای ایجاد مسیر جدید زیارتی سوریه از طریق مرز عراق صورت گرفته است که از این طریق زائران ایرانی می توانند پس از زیارت عتبات عالیات از عراق، عازم سوریه شده و به حرم های مطهر حضرت زینب و حضرت رقیه (سلام الله علیهما) مشرف شوند.

حسین اکبری افزود: زمان راه اندازی رسمی سفرهای زیارتی زائران ایرانی از طریق مرز جدید «الب الکمال» عراق به سوریه را در آینده نزدیک پس از برنامه ریزی های زمانی اعلام می کنیم. وی گفت: به طور قطع پس از راه اندازی این مرز جدید، میزان سفرهای زمینی زائران از گذشته بیشتر خواهد شد و بسیاری

از مشکلات گذشته در خصوص سفرهای زمینی کاهش خواهد یافت. حسین اکبری گفت: این مرز، هم زمان با مرزهای «باب السلام و تل ابیض» ترکیه بازگشایی خواهد شد. زائران



# از شمشاچه خبری

آتش کشیدند.

به دنبال آن شبیه همین اقدامات در شهر مدینه به وقوع پیوست و بقا مبارک ائمه علیهم السلام و سایر اماکن متبرکه با خاک یکسان کردند در سال ۱۲۲۵ ه.ق به سوریه حمله کردند و در سال ۱۳۴۳ و ۱۳۴۶ ه.ق به اردن حمله کردند یکی از اقدامات زشت آنان کشتار حجاج یمنی در سال ۱۳۴۱ ه.ق حجاج مصری در سال ۱۳۴۴ ه.ق و جنایت حمله به حجاج ایرانی در جریان مراسم براهت از مشرکان در سال ۱۳۶۶ ه. ش در شهر مکه و حادثه غم انگیز وقع انفجار در بین زائران عزاداران ائمه علیه السلام در کاظمین عراق در سال ۱۴۲۶ ه. ق که منجر به شهادت صد ها نفر گردید.

در طول سال ها اشغال عراق توسط آمریکایی ها همین گروه با حمایت سرویس های اطلاعاتی آمریکا و هم پیمانانش شاهد ترور و انفجارات و کشتارهای گسترده در کشور اسلامی هستیم. حمایت گسترده از طالبان در جریان اشغال افغانستان و به شهادت رساندن دیپلمات های ایرانی در آن کشور، ترورهای گسترده در پاکستان و بسیاری از کشورهای اسلامی دستان آشکار و پنهان این گروه منحرف مشهود است. این گروه در سال ۱۳۸۴ ه.ش در اهواز به حمایت انگلیس، و آمریکا و اسرائیل با بمب گذاری عده ای از مردم بی گناه را به خاک و خون کشیدند.

انفجار در باب القبله کاظمین در پانزدهم دی ماه ۱۳۸۷ که موجب شهادت ۲۰ شهید و ۳۱ تن مجروح از زائرین عتبات مقدسه گردید و نیز انفجار مهیب در شهر مقدادیه از استان دیاله عراق در سوم اردیبهشت ۱۳۸۸ که ۵۴ شهید و بیش از ۷۰ مجروح و انفجار در باب المراد کاظمین در چهارم اردیبهشت که ۱۶ شهید و حدود ۳۰ مجروح از زائرین ایرانی و ۲۰ شهید و ۷۰ مجروح از دیگر زائرین عتبات برجای گذاشت، از دیگر اقدامات و هایون

جنایت کاربر علیه شیعیان می باشد.

۱- (عضو هیأت تحریریه نشریه راه میانه و نماینده ولی فقیه در دانشکده هوا فضا)

## خبر اول:

روز دوشنبه ۸۸/۲/۲۱ اعضاء هیأت مدیره شمشابه اتفاق آقایان مهذب مدیر عامل وصبا قائم مقام در معیت آقای حسین اکبری معاون عتبات مقدسه سازمان حج و زیارت به محضر جناب آقای خاکسار قهرودی شرفیاب شدند که بیانات و رهنمود های ایشان در شماره آتی تقدیم خوانندگان محترم خواهد شد.

## خبر دوم:

صبح روز جمعه مورخ ۸۸/۲/۱۱، حضرت آیت اله محمدی ری شهری نماینده ولی فقیه در سازمان حج و زیارت در رأس هیأتی با پرواز هواپیمایی ماهان و در کنار زائران استان های تهران و قم از فرودگاه بین المللی امام خمینی (ره) به مقصد نجف اشرف عزیمت نمودند. در معیت ایشان آقایان: حجه الاسلام و المسلمین عرب، مجید آخوندزاده، حسین اکبری معاون عتبات مقدسه سازمان حج و زیارت، محسن شریفی، شریعتمداری، یاسینی، مدینه نگاه، صادقی، صبا قائم مقام شمس حضور داشتند. جزئیات این سفر و شرح بیانات نماینده محترم ولی فقیه در دیدار با مسئولین مدیران کاروان ها و زائرین ایرانی در شماره های بعد به اطلاع خوانندگان محترم خواهد رسید.

## خبر سوم:

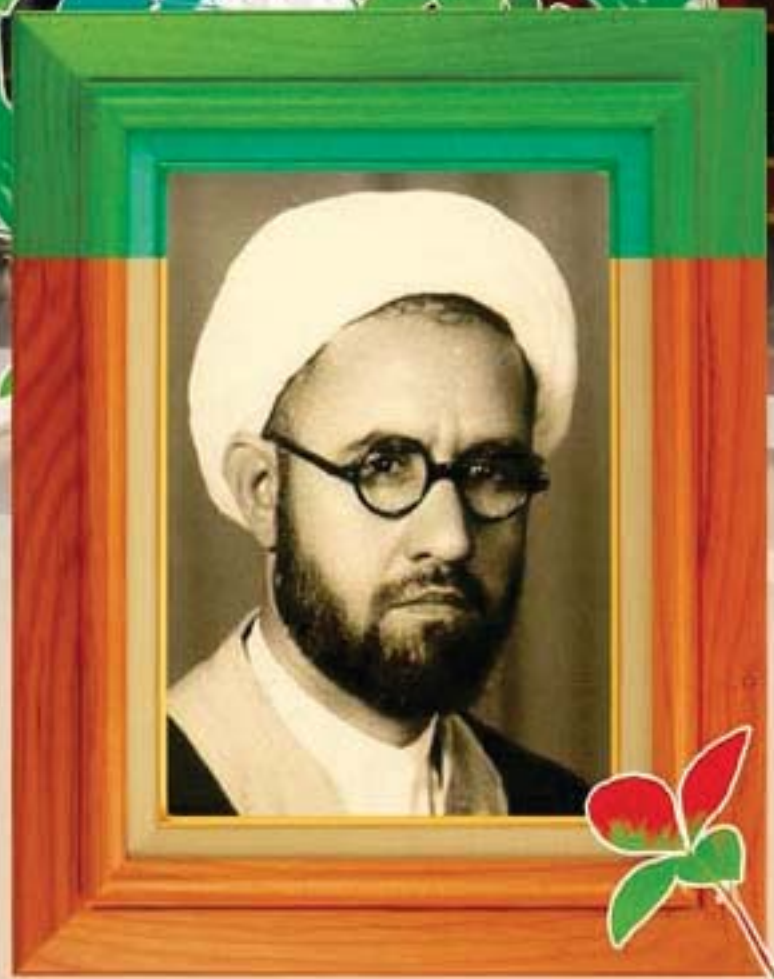
در سفر حضرت آیت الله ری شهری نماینده محترم ولی فقیه در سازمان حج و زیارت جناب آقای حسینی به عنوان مسئول جدید بعثه مقام معظم رهبری در عراق منسوب شدند. ایشان مدت سه سال نماینده بعثه در عربستان بوده اند. از خداوند توفیق روز افزون ایشان را خواهیم.

## خبر چهارم:

روز دوشنبه مورخ ۸۸/۱/۳۱، هیأتی به سرپرستی جناب آقای حبیبی تنها مدیرکل امور زیارتی سوریه سازمان حج و زیارت جهت بازدید از مناطق استان های رقه و حلب در سوریه و نیز مناطق جنوب لبنان و بیروت جهت بررسی مسیر پکیج های زیارتی مورد نظر جهت اعزام زائرین به سوریه عزیمت نمود. در این سفر آقایان محسن نظافتی و ناصر صبا قائم مقام شمس ایشان را همراهی می کردند.

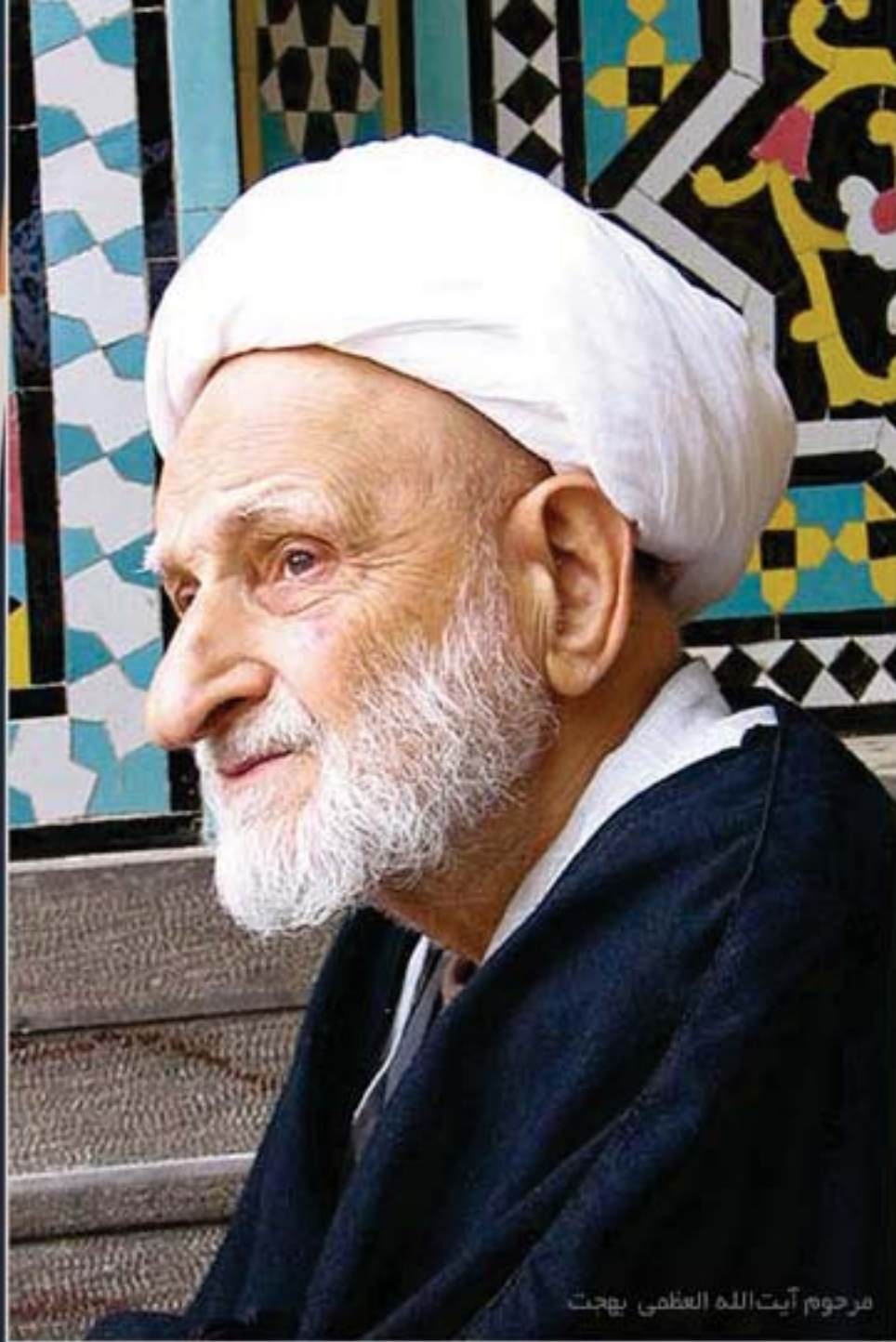
## خبر پنجم:

بر اساس گزارش آقای امین زاده رابط بیمه شمس، تعداد زائرین فوتی در ماه های اسفند ۸۷ و فروردین ۸۸ شانزده تن بوده است که علت فوت آن ها کهولت سن و بیماری بوده است. هم چنین تعدادی از زائرین بیمار و یا سانحه دیده بر اساس پوشش بیمه ای شمس به مراکز درمانی معرفی شدند.



مطهری پاره تن من بود.

حضرت امام خمینی (ره)



مرحوم آیت الله العظمی بوجت

آن بزرگوار که از برجستگان مراجع تقلید معاصر به شمار می رفتند معلم بزرگ اخلاق و عرفان و سرچشمه فیوضات معنوی بی پایان نیز بودند.

مقام معظم رهبری

